

تهران، اسلام‌آباد، آنکارا و ریاض

پشت یک میز

شکل‌گیری امنیت منطقه‌ای بدون قدرت‌های خارجی

۳

بازتعریف چهره یک ملت در

حافظه مشترک بشر در سینمای کیارستمی

پیروزی زندگی برویرانه‌های تاریخ

۵

کشتی پهلوانی از قهرمانی ورزشی

تامیراث جوانمردی

بازوبندی که فقط با زور بازو به دست نمی‌آید

۶



بحران روایت و روایت بحران



سیدمرتضی مفیدنژاد

روزنامه‌نگار

در شرایطی که به نوعی شرایط جنگی محسوب می‌شود و افکار عمومی دچار نوعی تشویش هستند، یکی از مهم‌ترین مسائل و اتفاقات، مدیریت فضای ادراکی و اطلاع‌رسانی است. در زمان بحران‌هایی مثل جنگ، سیل، زلزله و... رسانه دیگریل ارتباطی صرف با حقیقت نیست، بلکه خود به میدان نبرد تبدیل می‌شود؛ میدان نبردی که فشنگ هایش واژه‌ها و روایت‌ها هستند.

نباید این نکته را فراموش کرد که در شرایط جنگی، خبرلزوما خبر نیست؛ مهتدسی واقعیت است و اینگونه است که سیل اخبار و اطلاعات وقتی به ذهن مخاطب وارد می‌شود تصویری از واقعیت برای او می‌سازد که ممکن است با آنچه قرار است رخ دهد فرسنگ‌ها فاصله داشته باشد. این مقوله شامل تحلیل‌ها هم می‌شود. تحلیل‌ها بیشتر ازآنکه به دنبال اجرای حقیقت باشند، بیشتر به دنبال جذب فالوور و گرم کردن فضای مخاطبین و ایجاد سر و صدا هستند، نه ترسیم و تحلیل واقعی آنچه رخ داده است یا در حال رخ دادن است. بخش قابل توجهی از تحلیلگران به دنبال آن هستند که به مخاطب بگویند و القاکنند که «چگونه فکرکنو چه احساسی نسبت به یک واقعه داشته باشد تا اینکه تصویر حقیقی از صحنه را پیش روی مخاطب ترسیم کنند.

طبیعتا وقتی تولید و انتشار اخبارلزوما برپایه برداشتی ازواقعیت پیش نرود و تحلیل‌ها هم ازجنس تحلیل‌های واقعی نباشد، روایتی که شکل می‌گیرد هم در نهایت دچار مسئله و نقصان می‌شود. به دنبال این مسئله وقتی «روایت نهایی» که در ذهن جامعه شکل می‌گیرد دچار فروپاشی یا انحراف شدید می‌شود، اینجااست که سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی به شدت آسیب می‌بیند و جامعه در برابر اخبار جعلی و جنگ روانی دشمن یا رقیب کاملاً آسیب‌پذیر می‌شود. این مقدمه را گفتیم تا ببیندشیم راه چاره چیست.

شاید موارد زیر مهم‌ترین و اساسی‌ترین راهکارها باشند:

الف) چه بخواهیم چه نخواهیم باید روی سواد رسانه‌ای جامعه کار ویژه‌ای صورت داد. این مقوله به قید فوریت باید صورت بگیرد و نباید در آن تعلل کرد.

ب) بیشتر اشاره کردیم و باز هم تصریح می‌کنیم در بحران‌ها، روایت اول بسیار مهم است. نهاد‌های مسئول باید بتوانند پیش ازآنکه رویاگر رقیب یا دشمن، خود را به افکار عمومی دیکته کنند، روایت صحیح، مبتنی بر اسناد و حرفه‌ای را ارائه دهند.

ج) در زمانه بحران، مصرف‌بی‌رویه اخبار از منابع نامعتبر و شبکه‌های اجتماعی رهاشده، سم مهلک است. افراد باید یاد بگیرند که منابع خبری خود را به چند مرجع رسمی، موثق و تحلیلگران مستقل خوشنام محدود کنند. یاد گرفتن این موضوع و نهادینه کردن آن در جامعه بر عهده حاکمیت و دستگاه سیاستگذار رسانه‌ای است.

د) باید به لیستی از تحلیلگران و پردازشگران دست یافت که به جای تعیین تکلیف برای احساسات مخاطب، سناریوهای محتمل، داده‌های واقعی، نقاط قوت و ضعف صحنه را روی میز بگذارند تا مخاطب خود به قضاوت برسد. ترسیم تصویر واقعی در شرایط جنگی بیش از هر چیز به کاربران امکان استفاده و رشد خواهد داد.

«آگاه» در گزارشی برنامه اعلام شده در یوم‌الله ۱۳ آبان را بررسی کرد

جبهه جدید نبرد با استکبار

جوانان و دانشجویان ترسیم شد، ایامی که ثابت کرد هرگونه تلاش برای مصالحه با استکبار، با سد محکم اراده ملت روبه‌روست. بنابراین، تبیین ۱۳ آبان در هر سال، در واقع بازتولید همان روحیه نه گفتن به تسلیم است. امسال، مراسم ۱۱۳ آبان (سالروز تسخیر لانه جاسوسی) در شرایطی برگزار می‌شود که منطقه و جهان شاهد درشت‌گویی‌ها و تهدیدات سران آمریکا و رژیم صهیونی در قبال «جمهوری اسلامی» است. تهدیدات صریح آمریکا و جسارت صهیونیست‌ها نشان می‌دهد، کینه استکبار نسبت به مردم و حاکمیت سیاسی ایران شتری، است و تا زهر خود را نریزد میدان را ترک نخواهد کرد. البته در دو جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و ۴۰ روزه هر آنچه در چنته داشتند رو کردند اما به «در بسته خوردند و سرانجام به آتش بس روی آوردند اما همچنان دشمن شماره یک مردم ایران هستند و به غیر از تهدید، تحریم و جنگ ترکیبی هیچ کار دیگری نمی‌کنند. می‌خواهند با این اقدامات مردم و به خصوص جوانان و دانش‌آموزان را سردرگم کنند تا خسته شوند و مسیرشان از نظام سیاسی مستقر در «ایران‌زمین» جدا شود؛ تاکنون توانسته‌اند و زین پس هم نمی‌توانند خواب‌های‌شان در سرزمین کهن مادری‌مان را تعبیر کنند. در چنین برهه‌ای، برگزاری مراسم ۱۱۳ آبان صرفاً یادآوری مراسم تاریخی نیست. پیام این مراسم به دشمن این است؛ همان‌گونه که در سال ۵۸، توطئه‌های تغییر مسیر انقلاب با شکست مواجه شد، امروز نیز هرگونه تلاش برای تغییر ساختار در جمهوری اسلامی آن هم از طریق تهدید نظامی یا فشار سیاسی، با شکست مواجه خواهد شد. در واقع، ۱۱۳ آبان امسال روز تجدید پیمان با مسیر مقاومت است تا به دشمن یادآوری کند، پشتوانه سیاسی و مردمی نیروهای مسلح در برابر تهدیدات آمریکا، ریشه در همان آگاهی و بیداری دهه ۵۰ دارد.



وقتی دانش‌آموزان تاریخ‌سازی شوند...

رهبر انقلاب: مایه اصلی نخبگی، استعداد و بهره‌هوشی است که جوانان کشورمان

از این نعمت و ثروت عظیم خداداد برخوردارند

به سوی «ایران هرچه قوی‌تر»

۲

چرا شعار، میثاق با شهیدان نبرد با استکبار؟

در مراسم امسال دو نکته قابل تبیین است. نخست اعلام شعار مراسم و دیگری نقش آفرینی دانش‌آموزان جان‌فدا، «میثاق» در اینجا به معنای پذیرش آگاهانه هزینه‌های مسیر تفسیر می‌شود، یعنی پذیرش این حقیقت که استقلال ملی و کرامت انسانی، بدون پرداخت هزینه به دست نمی‌آید. مصداق عینی و تکان‌دهنده این میثاق را می‌توان در شهادت دانش‌آموزان عزیز در میناب و لامرد دید. شهادت این عزیزان در سرتر شعار امسال، سه نکته کلیدی را روشن می‌کند، نخست؛ شهادت دانش‌آموزان میناب و لامرد ثابت می‌کند نبرد با استکبار محدود به سن نمی‌شود، در اصل به «فرهنگ مقاومت» تبدیل شده که درگ‌های نسل جدید هم جاری شده است. درست پس از این حادثه که قلب‌ها را جریحه‌دار کرد، همه از پیرو جوان شعار، مرگ بر آمریکا، سرمی‌دادند. مهم‌تر از آن اینکه وقتی دانش‌آموز، میز تحصیل را با میدان جهاد پیوند می‌زند، اقدام او مصداق زنده همان روحیه دانشجویان ۱۱۳ آبان ۵۸ را در عصر جدید بازتولید می‌کند.

دوم؛ شهادت این جوانان نشان داد میثاق با آنان (شهیدان) در عمل و در لحظه تصمیم‌گیری برای دفاع از کیان اسلام و وطن تجلی می‌یابد. آنها آسمانی شدند و رفتند اما باید توجه داشت که حقیقت مبارزه با استکبار، درگرو پذیرش مسئولیت در هر سن و سالی و در هر جایگاهی است. عوام و مسولان وظایفی برعهده دارند و در مقابل مردم. صاحبان انقلاب نقش دیگری بر دوش‌شان است.

سوم؛ میثاق با شهیدان محدود به یک استان یا شهرستان نمی‌شود. از جنوب تا شمال، از روستاها تا شهرها معتقد هستند که مسیر مبارزه با استکبار، تنها راه رسیدن به عزت است و این باور، فارغ از هرگونه محدودیت جغرافیایی، جوانان را به سوی میدان می‌برد. بنابراین اگر سه محور را کنار یکدیگر قرار دهیم پی خواهیم برد، میثاق با شهیدان به منزله آن است؛ «هر تصمیم اتخاذ شده باید با سرمایه‌گذاری خون شهیدان سازگار باشد، نه با خواسته‌های طرف‌های خارجی».

دانش‌آموزان جان‌فدا

اما یکی از اقدامات مراسم سال جاری، موضوع دانش‌آموزان جان‌فدا است. بعد از جنگ تحمیلی علیه ایران پوش جان‌فدا شکل گرفت و با استقبال خوب و چشمگیری از سوی مردم روبه‌رو شد. اکنون و با بازگشایی مدارس، نوبت به دانش‌آموزان رسیده تا در سنگر علم و دانش «جان‌فدا بودن»، را به منصه ظهور بربسانند. همان خواسته‌ای که رهبر شهید از فرزندان‌شان داشت؛ برای آینده کشور خوب درس بخوانید. جان‌فدا بودن آنها در مقطع فعلی حکایت از آن دارد، گفتمان مقاومت را می‌توان در زنجیره‌ای دید که از میدان‌های نبرد و خطوط مقدم شروع شده و تا سنگرهای مدارس و کلاس‌های درس ادامه دارد. مقاومت در امروز، تنها به معنای درگیری نظامی نیست؛ مقاومت در میدان نبرد با موشک و پهپادها، در مدارس با علم، آگاهی و حفظ هویت، در خیابان در دفاع از اصول و آرمان‌های انقلاب معنا پیدا می‌کند. مقاومت امروز، یعنی همزمان با حفظ آگاهی سیاسی، در مسیر دانش‌اندوزی هم کوتاهی نکنیم. دانش‌آموزان جان‌فدا، همان کسانی هستند که با آگاهی، هم به شهیدان خود وفادار مانده‌اند و هم با خوب درس خواندن، آینده ایران را تضمین می‌کنند. این همان جبهه‌ای جدید در نبرد با استکبار است.



رهبر انقلاب: مایه اصلی نخبگی، استعداد و بهره‌هوشی است که جوانان کشورمان از این نعمت و ثروت عظیم خداداد برخوردارند

به سوی «ایران هرچه قوی‌تر»



حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی در پیامی به نخبگان و مدال‌آوران علمی و ورزشی در میادین جهانی، با اشاره به نقش بی‌بدیل نخبگان و افتخارآفرینان نوجوان و جوان در، عرصه‌های علمی و ورزشی، و «تجلی امید و پیشرفت و نشاط در کشور»، کلید، هرچه قوی‌تر شدن ایران، را مرزشکنی علمی نخبگان دانستند و تأکید کردند: در چارچوب فرا راهبرد «العلم سلطان»، پیشرفت کشور نیازمند یک خیزش علمی عمیق و شتابان است و مسئولان باید ضمن فراهم کردن زیرساخت‌ها و زمینه‌های این جهش علمی، از ظرفیت‌های فردی و خرد جمعی نخبگان نیز بهره‌گیری حداکثری داشته باشند.

متن پیام رهبر انقلاب که شب گذشته در مراسم تجلیل از مدال‌آوران علمی و ورزشی در رویداد «مدال‌آوران کشور دوست، توسط حجت‌الاسلام حاج علی‌اکبری قرائت شد، به این شرح است: بسم‌الله الرحمن الرحیم، این روزها بنا به یکی از اقوال، با ایام شهادت سرور و سید بانوان اهل بهشت، حضرت صدیقه اطهر، فاطمه زهرا صلوات‌الله و سلامه علیها مصادف است. عجیب است مجهول ماندن زمان شهادت آن حضرت؛ همچنان‌که مکان باشراف‌ت دفن آن نور الهی مخفی مانده و در مرتبه‌عالیه، قدر و منزلت حضرتشان نیز نامعلوم و فوق فهم بشر است. شخصیتی نمونه در عبادت، عبودیت و بندگی خدا و مثال‌اعلی در همراهی خاص و همه‌جانبه با پیامبر اعظم و دفاع جانانه از ولایت امیرالمومنین صلوات‌الله و سلامه علیهما و آلهما و در معرفت‌آموزی و تعلیم و در موقع‌شناسی و قیام برای حق و ایستادگی و تبیین و اسوه تراز اول در صبر و فداکاری و ایثار و خدمت‌بی‌منت و مواسات در جامعه و نمونه در همسری و مادری و تربیت فرزندان و نسل‌اثمه اطهار صلوات‌الله و سلامه علیهم که رهبران بشریت هستند و نمونه در تلاش و کوشش و مجاهدت و پاکی و آراستگی و تقوا و نورانیت و معنویت و در یک کلام اسوه‌ای برای همه زنان و مردان با ایمان، از زمر فضائل درخشان جامعه فاطمی این است که نقشه راه حرکت‌های بزرگ اجتماعی، حضور در میادین و عرصه‌های مبارزه و جهاد و حرکت‌های مردمی و حتی اراده پیشرفت در عرصه‌های علمی و خدمتگزار می‌تواند مواضع و بی‌منت را برای ملت انقلابی و مسلمان ایران می‌گشاید. ایران عزیز ما در این مقطع زمانی، بیشتر مظهر اراده و امید است و نقش نخبگان و جوانان با استعداد و توانمند ایرانی در این امید و پیشرفت و قدم نهادن در مسیر آینده درخشان آن، بی‌بدیل است. اما جغرافیای نخبگی، منحصر در ساحات علم و فناوری و ورزش و انواع مهارت‌ها نیست، هر نوع ممتاز بودن مثبت و مطلوب می‌تواند نخبگی را تحقق بخشد. این روزها ما شاهد جلوه نخبگی زبدگانی از مردمان این سرزمین هستیم که با نظریه افقی وسیع‌تر، در راه اعتلای پرچم مقدس وطن خود مجاهدت به‌عمل می‌آورند؛ اینان نخبگان بصیرت و جهاد هستند، ما ریزعلی خواجوی‌ها و «علی‌لندی‌ها» را نخبگانی می‌دانیم که نامشان باید بر سدره‌مکنه فرهنگی درج شود و از این قبیل گل‌های سرسید جامعه، شهدا و ایثارگرانی هستند که با ایثار جان و سلامت خود، اثری فوق‌العاده برسرنوشت ایران اسلامی و ملت عزیزش گذاشتند و مدال‌بندی را از معبود یگانه دریافت کردند.

ابتدا فرصت را مغتنم شمرده و کسب نشان‌ها و مدال‌های متعدد و افتخارات علمی در المپیادهای نجوم و اخترفیزیک، ریاضیات، علوم زمین، جغرافیا، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، رایانه و هوش مصنوعی، علوم انسانی و نیز انواع افتخارات ورزشی اخیر را به همه مردم عزیز کشورمان و تک‌تک افتخارآفرینان تبریک می‌گویم و تجلیل و قدردانی خود را نسبت به عزم و اراده مسعود پزشک‌یان، رئیس‌جمهور شب گذشته به منظور شرکت و سخنرانی در هشتمین اجلاس سران مجمع کشورهای صادرکننده گاز GECF به مسکو، پایتخت روسیه رفت. نخست‌انرژی رئیس‌جمهور در اجلاس مذکور در انجام خواهد شد؛ او در حاشیه این اجلاس با ولادیمیر پوتین و سران برخی از کشورهای حاضر دیدار و گفت‌وگو خواهد کرد. روسای جمهور و هیات‌های عالی‌رتبه دو کشور در خصوص توسعه همکاری‌های سیاسی و اقتصادی و روند پیشرفت اجرای «توافقتنامه جامع راهبری ایران و روسیه، گفت‌وگو و رایزنی خواهند کرد. طرفین قرار است تازه‌ترین تحولات دوجانبه و مسائل مهم منطقه و بین‌المللی را به بحث و تبادل نظر بگذارند. مجمع کشورهای صادرکننده گاز (GECF) مهم‌ترین سازمان بین‌المللی در حوزه گاز طبیعی است که کشورهای دارای بزرگ‌ترین ذخایر و صادرات گاز جهان را گرد هم آورده است. هدف از تشکیل این مجمع، ایجاد بستری برای همکاری، تبادل تجربه و هماهنگی میان اعضا در زمینه توسعه صنعت گاز، سرمایه‌گذاری، تجارت، فناوری، امنیت عرصه و آینده بازار جهانی گاز است. برخلاف تصور رایج، GECF سازمانی برای تعیین قیمت گاز یا سهمیه‌بندی تولید نیست، این مجمع نه اعضا را ملزم به کاهش یا افزایش تولید می‌کند و نه درباره قیمت گاز تصمیم می‌گیرد، نقش اصلی آن، نزدیک کردن دیدگاه کشورهای تولیدکننده، انتشار گزارش‌های تخصصی، تحلیل روندهای بازار و حمایت از توسعه پایدار صنعت گاز است.

به دلیل حضور کشورهای مانند ایران، روسیه، قطر، الجزایر، نیجریه و امارات متحده عربی، اعضای GECF بخش بزرگی از ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی جهان را در اختیار دارند و سهم قابل‌توجهی از تولید، صادرات از طریق خطوط لوله و تجارت جهانی LNG را تأمین

پیش‌رانان قافله افتخار و امید و پرچم‌داران پیشرفت کشور در همه اقسام نخبه از نوجوانان و جوانان تا مربیان و اساتید و فرزنانگان ابراز می‌کنم. انگیزه و امید نخبگان برای تحول در کشور، شعله‌فروزنده‌ای است که اینجانب در طول سال‌ها و دهه‌های گذشته از دور و نزدیک شاهد آن هستم و مشاهده حرکت عظیم و امیدآفرین نخبگان و جریان علمی در کشور و جلوه‌های این حرکت در قهرمانی‌های مکرر، پی‌درپی و هرساله در رشته‌های علمی، المپیادها و رشته‌های ورزشی برای همه ملت ایران، افتخارآمیز و غرورانگیز است.

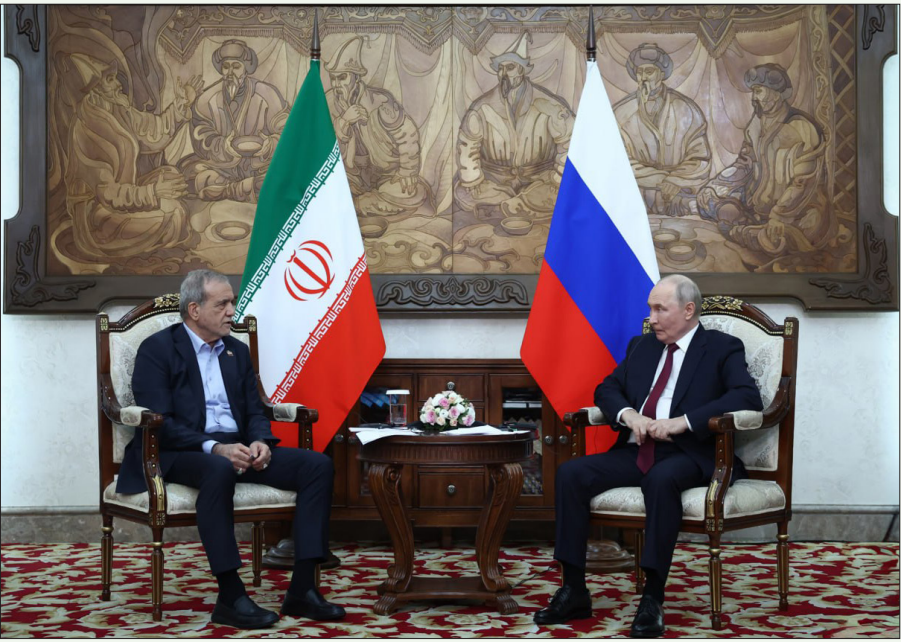
رتبه‌های درخشان ورزشکاران پرتلاش کشورمان در رشته‌های مختلف در روزها و ماه‌های اخیر و ثبت نصاب‌هایی تازه، از تلاش و همت و اراده و ایمان آنان حکایت می‌کند. آن ورزشکارانی که با قدرت جسمانی و قوت روحی و اخلاقی و ایمانی و تلاش مستمر خود بر اقتدار ایران عزیز در برابر چشم همه ملت‌ها می‌افزایند و سرزنده بودن ملت عبور ایران را به رخ همه جهان می‌کنند؛ آن بانوان ورزشکاری که نشانه افتخارآمیز پوشش زن ایرانی را در جهان تلالو می‌بخشند، آن مدال‌آوران ورزشی که در قلب ملت ایران شادمانی و شوق آفرینی می‌کنند و پرچم سرفراز ایران اسلامی را عزت می‌بخشند، هر یک به اندازه خود در معنا بخشی به ایران قوی، سهیم و موثرند.

از آنجا که این روزها، روزهای نشاط و توجه به علم و تحقیق در دانشگاه‌ها و حوزات علمی و مدارس است، شایسته می‌دانم در این باب، سخنی کوتاه با علاقه‌مندان دانش، نخبگان ملت و فرزندان ایران عزیز داشته باشم. نخبگی، یک نعمت و موهبت الهی است و مایه اصلی آن، استعداد و بهره‌هوشی است که ملت ایران خصوصاً جوانان کشورمان از این نعمت و ثروت عظیم خداداد برخوردارند. شرط عقل و بندگی آن است که انسان شکر نعمت الهی را انیکو به جای آورد و اگر شکر در همه مراتب قلبی، زبانی و عملی آن صورت گیرد، مسیر رسیدن به کمال آن نعمت فراهم می‌شود. قدرشناسی نعمت نخبگی نیز ابتدا بایستی توسط خود شخص نخبه و سپس در مراتب بعد در معیط اطراف او از پدر و مادر و خانواده و معلم و استاد تا فضای مدرسه و دانشگاه و نظام کشور صورت گیرد تا این ظرفیت را رشد و فزونی بخشد و آن را به درستی به کار گیرد. بر همین اساس شخص نخبه در شکر عملی این نعمت مسئولیت سنگین‌تری داشته و شایسته است علاوه بر توانمندسازی و رشد نخبگی خود، این استعداد را به احسن وجه در حل مسائل کشور و جامعه به کار گیرد.

نخبه شخصی نیست که به صرف دارا بودن استعداد و هوش قابل توجه همچون تافته‌ای جدا بافته تنها به امیال زودگذر و شخصی فکر کند؛ نخبه آن شخصی است که دغدغه رشد استعدادش را دارد و خود را یک عنصر موثر در جامعه تعریف می‌کند و از استعداد و ظرفیتش برای رشد خود و جامعه‌اش به صورت توانمان استفاده می‌نماید. نخبه ایرانی نشان داده است که می‌توان دانش و استعداد را به ابزاری برای حل مسائل واقعی مردم و کشور تبدیل کرد و از سلول‌های بنیادی و نانو و فناوری‌های زیستی تا فناوری‌های پیشرفته هوا و فضا و صنعت و معدن و پزشکی و کشاورزی و هسته‌ای و انرژی و زیرساخت، به دنبال کاربردی کردن علم و دانش و نخبگی خود بود. همه ما، آثار و جلوه‌های این حرکت پیش‌رونده را در زندگی واقعی مشاهده می‌کنیم. تولید برق با توربین‌های ایرانی در نیروگاه‌ها، فناوری دانش بنیان در آب شیرین کن‌های جزایر جنوبی، پرواز پهپاد‌های کشاورزی بر فراز مزارع، باغ‌ها و شالیزارهای شمالی برای بهینه‌سازی عملیات کشاورزی و آب و خاک، تولد فرزندان خانوادگی نخبه، تولید برق با فناوری‌های پیشرفته رویان، تشخیص و درمان بیماری‌های صعب‌العلاج یا راد یوداروها، پایش زمین و آب و محصولات با ماهواره‌های سنجنشی و ارتقای بهره‌وری و امنیت غذایی با ابتکارات علمی و فناوری نمونه‌هایی قابل بیان از این مجموعه عظیم و پربرتک است و بسیاری دیگر از این

موارد خصوصاً در عرصه‌های دفاعی و نظامی به وقت خود بارها چشم‌مان دنیا را خیره کرده و درآینده نیز چنین خواهد بود. ایران قوی بر پایه اقتدار علمی و فناوری استوار است و این محور، یکی از مهم‌ترین مولفه‌های نقش‌آفرینی ایران در معادلات و نظم جدید جهانی است. پس کلید هرچه قوی‌تر شدن آن، مرزشکنی و راه‌حل‌گشایی نخبگان در مسائل علمی کشور است و خیانت و جنایت دشمنان ایران اسلامی علیه دانشمندان و نخبگان، نشان‌دهنده نقش موثر نخبگان در قوت کشور است. آن دشمنی که دانشمندان پرچسته و نخبگان موثر جامعه ما را در جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم و البته سال‌ها قبل از آن در محیط‌های علمی و زندگی عادی‌شان ترور می‌کند، چشم دیدن پیشرفت و اقتدار ایران را ندارد و از همه ابزارها و شیوه‌های خود برای تضعیف نخبگان ایران عزیز استفاده می‌کند؛ از ناامیدسازی و مایوس کردن و تصرف ذهن و روح‌شان، بلعیده‌شدن در هاضمه استعمارنویین و تبدیل کردن آنها به پیچ و مهره ماشین غارت و سرمایه‌سالاری غرب. غافل از اینکه قطره خون نخبگان و دانشمندان و اساتید و دانشجویان و دانش‌آموزان شهید این ملت، طوفانی از اراده و پیشرفت را به‌پا کرده و می‌کند.

ملت ایران سابقه تمدن‌کهن خود و افتخارات گوناگون در علوم و فنون و برخورداری از مفاخر و دانشمندان نام‌آور جهان را در کنار دو قرن عقب‌ماندگی شدید و انفعال تاریخی دوران قاجار و پهلوی به یاد دارد. این ملت، قدر و ارزش فرا راهبرد پیرروزمندان «العلم سلطان» و نتایج آن در نپذیرفتن سلطه علمی غرب و رشد سریع علمی و تحقیقاتی نخبگان در سه دهه اخیر که مقدار قابل‌توجهی از آن موهون تدابیر خاص و هدایت‌های رهبر عظیم‌الشأن شهید قدس‌الله نفسه‌الزکیه بوده است را می‌داند. اگر تا قبل از مقطع کنونی و جنگ تحمیلی سوم، خیزش جدید علمی، توصیه‌ای لازم و ضروری برای نخبگان بود، تجربه دو جنگ اخیر به همه ثابت کرد که این خیزش علمی جدید بایستی عمیق و پرشتاب باشد. برای این مقصود لازم است علاوه بر مسئولان دستگاه‌ها و مراکز



همچون آمریکا دستور بدهد و بقیه اطاعت کنند. حضور ایران در مسکو به وضوح اعلام می‌کند، ما هم یکی از تصمیم‌گیرندگان اصلی در مجامع بین‌المللی هستیم. وقتی دنیا می‌بیند ایران در قلب مجمع صادرکنندگان گاز، نقش کلیدی دارد، می‌فهمد دوران تک‌محوری آمریکا تمام شده است و ایران با تکیه بر منابع طبیعی و توانمندی‌هایش، یکی از قطب‌های نظم جدید جهانی است و دیگر کسی نمی‌تواند با تحریم نقش کشورمان را از مجامع جهانی حذف یا کم‌رنگ کند. حال باید منتظر نطق رئیس‌جمهور در مجمع کشورهای صادرکننده گاز و پیشنهادات و مطالباتی که با اعضا در میان می‌گذارد، بود. طبیعتاً دست ایران پر است و حرف‌هایی برای گفتن دارد.

گزارش «آگاه» درباره سفر رئیس‌جمهور به مسکو را بخوانید

ایران و روسیه؛ اتحاد در عصر نظم جدید

می‌کنند، همین موضوع باعث شده این مجمع به یکی از مهم‌ترین نهاد‌های بین‌المللی حوزه انرژی تبدیل شود. دبیرخانه دائمی GECF در شهر دوحه، پایتخت قطر، قرار دارد و اجلاس سران و نشست وزیران کشورهای عضو به صورت دوره‌ای برگزار می‌شود. تصمیم‌های این سازمان الزام‌آور نیست، اما گزارش‌ها و چشم‌اندازهای آن از منابع مهم تحلیل بازار گاز برای دولت‌ها، شرکت‌های انرژی و سرمایه‌گذاران به شمار می‌رود. این سازمان هرگز برای ایفای نقش اوپک در بازار گاز ایجاد نشد، بلکه از دل نیازهای متفاوت بازار گاز متولد شد، بازاری که از نظر شیوه تولید، انتقال، تجارت و قیمت‌گذاری، تفاوت‌های اساسی با بازار نفت دارد. سفر رئیس‌جمهور به مسکو را نباید فقط در چارچوب حضور در مجمع کشورهای صادرکننده گاز بررسی کرد، این سفر در واقع انور دیپلماتیک در زمان حساس است.

دنیا در حال گذار از انرژی‌های فسیلی به انرژی‌های پاک است، اما در همین حال، روسیه و ایران دو قطب گاز جهان هستند. حضور در این اجلاس به این معناست که ایران می‌خواهد در کنار روسیه، قواعد بازی در بازار گاز را بنویسد. یعنی به جای آنکه قیمت‌ها را غرب تعیین کند، محور مسکو-تهران روی قیمت‌گذاری و توزیع انرژی اثر بگذارد. ضمن آنکه این سفر در حالی صورت می‌گیرد که آمریکا به هر شکل ممکن به دنبال منزوی کردن ایران است. حضور رئیس‌جمهور در مسکو به واشنگتن پیامی فرستاد مبنی بر اینکه تحریم‌ها نه تنها ما را منزوی نکرد، بلکه به سمت اتحاد محکم‌تر با قدرت‌های جهانی سوق داد. از سوی دیگر، حضور در این اجلاس پیام مهمی به همراه دارد؛ «جمهوری اسلامی» به عنوان بازیگر کلیدی در معادلات جهانی شناخته می‌شود، نه صرفاً کشوری که تحت فشار است.

نکته دیگر درباره سفر شخص دوم کشور به مسکو به نگاه او و

کاغذ مانده‌اند و چگونه می‌توان آنها را سریع‌تر به نتیجه رساند. در مجموع این سفر، تکه‌ای از یک تصویر بزرگ‌تر است. ماجرا فقط این نیست که رئیس‌جمهور به مسکو می‌رود تا درباره گاز صحبت کند؛ موضوع را باید کلان‌ارزایی کرد. دنیا امروز شبیه صفحه شطرنج است. همسویی ایران با روسیه که خودش، قدرت بزرگ است هیچگاه به مذاق غربی‌ها و آمریکا خوش نمی‌آید، به دلیل آنکه با شرکت و تعامل نزدیک‌مان، دیوار دفاعی محکمی در برابر نقشه‌های آمریکا می‌سازیم و این اتحاد باعث می‌شود دشمنان بدانند، اگر بخواهند علیه ایران اقدامی کنند، با یک کشور تنها طرف نیستند، با جبهه‌ای از قدرت‌ها رو به رو هستند. همچنین دوران سلطه‌گری آمریکا رنگ باخته. دیگر اینطور نیست که فقط کشوری

تهران، اسلام‌آباد، آنکارا و ریاض پشت یک میز

شکل‌گیری امنیت منطقه‌ای بدون حضور قدرت‌های خارجی

امنیت بدون توجه به پیامدهای انسانی درگیری‌ها، نمی‌تواند پاسخ کاملی به بحران باشد. از این رو، چهار کشور می‌توانند درباره راه‌های تقویت همکاری‌رسانانه‌ی مشترک، منطقه‌ای، حمایت از حقوق مردم فلسطین و لبنان، جلوگیری از گسترش درگیری‌ها و استفاده از ظرفیت‌های سیاسی و دیپلماتیک خود، برای کاهش فشار بر غیرنظامیان تبادل نظر کنند.

با این حال، باید میان طرح این مسائل در دستور کار مذاکرات و دستیابی به توافق عملی برای حل آنها تفاوت قائل شد. میزان اثرگذاری نشست در این حوزه، زمانی روشن‌تر خواهد شد که مواضع مشترک، ابتکارهای مشخص یا تصمیم‌های اجرایی احتمالی اعلام شود. برای جمهوری اسلامی ایران، پیوند دادن امنیت منطقه‌ای با مسئله فلسطین اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا از نگاه تهران، نمی‌توان از ثبات پایدار سخن گفت، اما نسبت به ادامه بحران‌هایی که به گسترش خشونت و بی‌ثباتی می‌انجامند، بی‌تفاوت ماند.

بازتاب جهانی نشست تهران؛ رسانه‌های خارجی چه می‌گویند؟

برگزاری نشست چهارجانبه تهران با توجه به سطح مقام‌های شرکت‌کننده و شرایط حساس منطقه، در رسانه‌های بین‌المللی نیز بازتاب یافته است؛ هرچند باید میان پوشش خبری یک رویداد و حمایت سیاسی از اهداف آن، تفاوت قائل شد. **خبرگزاری رویترز** در گزارش روز ۲۶ اکتبر، حضور مقام‌های ارشد عربستان و ترکیه در تهران را در چارچوب تلاش برای هماهنگی منطقه‌ای بررسی کرد. این گزارش همچنین به نقش پاکستان در میانجی‌گری میان ایران و آمریکا و شرایط دشوار پیش روی تلاش‌های دیپلماتیک اشاره داشت. **شبکه الجزیره** نیز در گزارش خود به اهمیت این دیدار در شرایط افزایش تنش‌ها و ضرورت کاهش درگیری‌ها پرداخت. این شبکه همچنین به موضوع ریاض درباره تلاش برای تنش‌زدایی و حمایت از راهکارهای دیپلماتیک اشاره کرد. از سوی دیگر، **اسوشیتدپرس** این نشست را در ارتباط با تلاش‌ها برای جلوگیری از ازسرنگیری درگیری گسترده میان ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی مورد توجه قرار داد.

این بازتاب‌ها نشان می‌دهد که نشست تهران صرفاً یک دیدار دوجانبه یا تشریفاتی تلقی نشده و از منظر تحولات ژئوپلیتیکی منطقه نیز اهمیت پیدا کرده است. با این حال، از پوشش خبری رسانه‌های خارجی نمی‌توان نتیجه‌گرفت که جامعه جهانی یا همه دولت‌های منطقه از اهداف و مواضع جمهوری اسلامی ایران حمایت کرده‌اند. اهمیت واقعی بازتاب بین‌المللی این نشست، در جلب توجه به نقش کشورهای منطقه در مدیریت بحران و برجسته‌شدن امکان گفت‌وگو میان بازیگرانی است که هرکدام منافع و محاسبات امنیتی متفاوتی دارند.

تهران؛ آغاز یک مسیر یا صرفاً یک رایزنی سیاسی؟

نشست چهارجانبه جمهوری اسلامی ایران، پاکستان، ترکیه و عربستان سعودی را باید در چارچوب تلاش‌های جاری برای مدیریت بحران‌های غرب آسیا ارزیابی کرد. حضور مقام‌های بلندپایه نظامی، دفاعی و اطلاعاتی چهار کشور، ظرفیت این نشست را برای بررسی مستقیم مسائل امنیتی افزایش می‌دهد؛ اما به‌تنهایی تضمین‌کننده دستیابی به توافق‌های پایدار نیست.

برای جمهوری اسلامی ایران، این نشست فرصتی است تا با ردیگر بر ضرورت تأمین امنیت منطقه به دست کشورهای منطقه، مخالفت با مداخلات خارجی و پیگیری راهکارهای سیاسی برای مهار بحران‌ها تأکید کند. برای پاکستان، این ابتکار می‌تواند زمینه‌ای برای تقویت نقش میانجی‌گرانه و کاهش تنش میان بازیگران اصلی منطقه فراهم آورد. عربستان و ترکیه نیز از مسیر گفت‌وگو می‌توانند نگرانی‌های امنیتی خود را مطرح کرده و راه‌های جلوگیری از گسترش بحران را بررسی کنند.

با این حال، معیار نهایی موفقیت این نشست، نه سطح مقام‌های حاضر و نه اهمیت سیاسی تصاویر منتشرشده از آن، بلکه نتایجی است که در میدان عمل به دست می‌آید، آیا کانال‌های ارتباطی میان چهار کشور تقویت خواهد شد؟ آیا امکان توافق بر سر اصول مشترک برای مدیریت بحران وجود دارد؟ آیا گفت‌وگوها به کاهش تنش‌ها، حمایت مؤثرتر از غیرنظامیان و همکاری عملی برای حفظ ثبات منطقه منجر خواهد شد؟

نشست تهران هنوز برای تبدیل شدن به نقطه عطف امنیتی منطقه به نتایج ملموس نیاز دارد؛ اما برگزاری آن در چنین مقطعی، نشانه‌ای مهم از ضرورت گفت‌وگو میان قدرت‌های منطقه‌ای است. اگر این رایزنی‌ها به همکاری مستمر، احترام متقابل و سازوکارهای عملی برای حل اختلافات منجر شود، می‌تواند گامی در جهت تقویت امنیت درون‌زای منطقه‌ای باشد؛ مسیری که موفقیت آن، بیش از هر چیز، به اراده سیاسی و پایدنی عملی طرف‌ها وابسته است.



نتایج رسمی مذاکرات منتشر نشده باشد، نمی‌توان ادعا کرد که چهار کشور به یک چارچوب امنیتی مشترک یا توافق عملیاتی مشخص دست یافته‌اند.

پیمان دفاعی مکه؛ زمینه‌ای تازه برای همکاری و گفت‌وگو

یکی از ابعاد مهم نشست تهران، ارتباط آن با ترتیبات امنیتی جدید میان عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان است. این سه کشور در اوت ۲۰۲۴ توافق دفاعی مشترکی را امضا کردند که در گزارش‌های بین‌المللی از آن با عنوان «پیمان دفاعی مکه» یاد شده است. براساس گزارش رویترز، در چارچوب این توافق، حمله مسلحانه به یکی از اعضا به عنوان حمله به دیگر اعضا تلقی می‌شود. پاکستان این توافق را تصویب کرده و روند تصویب آن در ترکیه نیز آغاز شده است. بنابراین، وضعیت حقوقی و اجرایی آن ابته تحقیق امنیت درون‌زا صرفاً با طرح یک شعار یا برگزاری نشست امکان‌پذیر نیست. چنین الگویی به اعتمادسازی مستمر، احترام به حاکمیت ملی کشورها، پرهیز از اقدامات تنش‌زا، ایجاد کانال‌های ارتباطی اضطراری و توافق بر سر اصول مشترک نیاز دارد.

اهمیت این رویکرد در آن است که تجربه سال‌های گذشته نشان داده، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای لزوماً به رفع اختلافات و برقراری ثبات پایدار منجر نشده است. در بسیاری از موارد، رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ملاحظات قدرت‌های بزرگ، پیچیدگی بحران‌های منطقه‌ای را افزایش داده و هزینه‌های سنگینی بر کشورهای منطقه تحمیل کرده است.

البته تحقیق امنیت درون‌زا صرفاً با طرح یک شعار یا برگزاری نشست امکان‌پذیر نیست. چنین الگویی به اعتمادسازی مستمر، احترام به حاکمیت ملی کشورها، پرهیز از اقدامات تنش‌زا، ایجاد کانال‌های ارتباطی اضطراری و توافق بر سر اصول مشترک نیاز دارد.

در این چارچوب، نشست چهارجانبه تهران می‌تواند فرصتی برای بررسی راهکارهایی باشد که از تبدیل اختلافات سیاسی به رویارویی نظامی جلوگیری کند. ایجاد سازوکارهای منظم مشورت امنیتی، تبادل اطلاعات درباره تهدیدهای مشترک و توافق بر سر روش‌های مدیریت بحران، از جمله زمینه‌هایی است که می‌تواند در صورت برخورداری از اراده سیاسی لازم، به همکاری‌های پایدارتر منجر شود. با این حال، باید میان اهداف اعلام‌شده جمهوری اسلامی ایران و توافق‌هایی که احتمالاً در جریان مذاکرات حاصل شده‌اند، تفاوت قائل شد. تا زمانی که جزئیات و

امنیتی با ایران، از ظرفیت ارتباطی با بازیگران مختلف برخوردار است و در ماه‌های اخیر در تلاش‌های میانجی‌گرانه میان تهران و واشگتن نقش داشته است. از این منظر، نشست تهران را می‌توان تلاشی برای نزدیک کردن ارزیابی‌های امنیتی چهار کشور و بررسی راه‌های جلوگیری از تشدید بحران دانست؛ تلاشی که اهمیت آن، فراتر از تشریفات یک دیدار سیاسی، به نتایج عملی و میزان استمرار رایزنی‌ها وابسته است.

هدف اصلی؛ شکل‌گیری امنیت منطقه‌ای بدون اتکای انحصاری به قدرت‌های خارجی

یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که در توضیح اهداف این نشست مطرح شده، «امنیت درون‌زا» است؛ مفهومی که جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های گذشته بر آن تأکید داشته و بر اساس آن، کشورهای منطقه باید با تکیه بر ظرفیت‌های خود و از طریق همکاری متقابل، مسئولیت اصلی تأمین امنیت و ثبات را برعهده بگیرند. علی‌باقری‌کنی، معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی، پیش از برگزاری نشست اعلام کرده بود که گفت‌وگوهای تهران می‌تواند گامی مؤثر در مسیر شکل‌گیری امنیت منطقه‌ای با مشارکت کشورهای منطقه باشد. او همچنین بر مخالفت جمهوری اسلامی ایران با مداخله و نفوذ قدرت‌های خارجی و نقش‌آفرینی رژیم صهیونیستی در برهم‌زدن ثبات منطقه تأکید کرده بود.

اهمیت این رویکرد در آن است که تجربه سال‌های گذشته نشان داده، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای لزوماً به رفع اختلافات و برقراری ثبات پایدار منجر نشده است. در بسیاری از موارد، رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ملاحظات قدرت‌های بزرگ، پیچیدگی بحران‌های منطقه‌ای را افزایش داده و هزینه‌های سنگینی بر کشورهای منطقه تحمیل کرده است.

البته تحقیق امنیت درون‌زا صرفاً با طرح یک شعار یا برگزاری نشست امکان‌پذیر نیست. چنین الگویی به اعتمادسازی مستمر، احترام به حاکمیت ملی کشورها، پرهیز از اقدامات تنش‌زا، ایجاد کانال‌های ارتباطی اضطراری و توافق بر سر اصول مشترک نیاز دارد.

در این چارچوب، نشست چهارجانبه تهران می‌تواند فرصتی برای بررسی راهکارهایی باشد که از تبدیل اختلافات سیاسی به رویارویی نظامی جلوگیری کند. ایجاد سازوکارهای منظم مشورت امنیتی، تبادل اطلاعات درباره تهدیدهای مشترک و توافق بر سر روش‌های مدیریت بحران، از جمله زمینه‌هایی است که می‌تواند در صورت برخورداری از اراده سیاسی لازم، به همکاری‌های پایدارتر منجر شود. با این حال، باید میان اهداف اعلام‌شده جمهوری اسلامی ایران و توافق‌هایی که احتمالاً در جریان مذاکرات حاصل شده‌اند، تفاوت قائل شد. تا زمانی که جزئیات و

آغاز نشست چهارجانبه جمهوری اسلامی ایران، پاکستان، ترکیه و عربستان سعودی، در شرایطی که غرب آسیا با پیامدهای تجاوزات نظامی، تشدید ناامنی و بحران فلسطین و لبنان روبه‌روست، توجه‌ها را به تلاش قدرت‌های منطقه‌ای برای مدیریت تحولات جلب کرده است. این نشست که به پیشنهاد پاکستان و با مساعدت و همراهی جمهوری اسلامی ایران برگزار شده و میزبانی آن بر عهده سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی میزبانان است، می‌تواند نشانه‌ای از تلاش برای تقویت ابتکارهای منطقه‌ای و کاهش وابستگی امنیتی خاورمیانه به تصمیم‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای باشد. با این حال، میزان تأثیرگذاری این ابتکار به نتایج عملی گفت‌وگوها و اراده طرف‌ها برای تبدیل تفاهم سیاسی به همکاری امنیتی بستگی دارد.

به گزارش «آگاه»، نشست چهارجانبه تهران روز دوشنبه چهارم آبان ۱۴۰۵، برابر با ۲۶ اکتبر ۲۰۲۴، در شرایطی آغاز شد که تحولات نظامی غرب آسیا، مناسبات تهران و واشگتن، نگرانی کشورهای منطقه از گسترش درگیری‌ها و ضرورت یافتن راه‌های دیپلماتیک برای مهار بحران، اهمیت رایزنی‌های امنیتی را دوچندان کرده است. بر اساس گزارش مهر، این نشست به پیشنهاد پاکستان و با مساعدت و همراهی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است. سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی میزبانان، میزبانی و ریاست هیات ایرانی را برعهده دارد. در سوی دیگر، عاصم منیر فرمانده ارتش پاکستان، خالد بن سلمان وزیر دفاع عربستان سعودی و ابراهیم کالین رئیس دستگاه اطلاعاتی ترکیه، نمایندگان سه کشور حاضر در این گفت‌وگوها هستند. ترکیب هیات‌ها به خودی خود حامل پیامی مهم است. حضور فرمانده ارتش پاکستان، وزیر دفاع عربستان و رئیس دستگاه اطلاعاتی ترکیه نشان می‌دهد که گفت‌وگوها صرفاً به تبادل نظرهای معمول دیپلماتیک محدود نیست و ملاحظات دفاعی، امنیتی و راهبردی در کانون توجه قرار دارد.

این سطح از حضور، امکان بررسی مستقیم نگرانی‌های امنیتی کشورها و تبادل ارزیابی درباره تحولات میدانی را فراهم می‌کند؛ هرچند تا زمان انتشار نتایج رسمی، نمی‌توان درباره توافق‌های احتمالی یا تصمیم‌های مشخص نظامی و امنیتی این نشست اظهار نظر قطعی کرد. نکته مهم دیگر، میزبانی تهران است. جمهوری اسلامی ایران با پذیرش این ابتکار، فرصتی برای گفت‌وگو با سه بازیگر اثرگذار منطقه‌ای فراهم کرده است؛ کشورهایی که با وجود تفاوت در روابط خارجی، برداشت‌های امنیتی و اولویت‌های راهبردی، در موضوعاتی همچون ثبات منطقه، جلوگیری از گسترش جنگ و حفظ تمامیت ارضی خود، با دغدغه‌هایی مشترک مواجهند.

چرا این نشست در مقطع کنونی اهمیت دارد؟

برای درک اهمیت نشست تهران، باید آن را در بستر تحولات امنیتی هفته‌ها و ماه‌های اخیر بررسی کرد. منطقه غرب آسیا در دوره‌ای قرار دارد که پیامدهای درگیری‌های نظامی، احتمال از سرگیری حملات، تهدید مسیرهای حیاتی انرژی و گسترش دامنه بحران به کشورهای همسایه، محاسبات امنیتی دولت‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. در چنین شرایطی، هیچ‌یک از بازیگران منطقه‌ای نمی‌توانند آثار یک بحران گسترده را صرفاً به مرزهای جغرافیایی کشور مقابل محدود بدانند. افزایش هزینه‌های نظامی، اختلال در تجارت و حمل‌ونقل، نااطمینانی در بازار انرژی و احتمال ورود بازیگران جدید به منازعه، مجموعه‌ای از مخاطرات مشترک را ایجاد می‌کند. گزارش‌های بین‌المللی درباره این نشست نیز به همین زمینه اشاره کرده‌اند. خبرگزاری رویترز، با اشاره به حضور مقام‌های سه کشور پاکستان، ترکیه و عربستان در تهران، مذاکرات را بخشی از تلاش‌های منطقه‌ای برای هماهنگی امنیتی در شرایط تشدید تنش‌ها توصیف کرده است. آسوشیتدپرس نیز محوریت جلوگیری از بازگشت درگیری گسترده و تلاش برای پیشبرد مسیرهای مذاکره را در گزارش خود برجسته کرده است. در این میان، موقعیت عربستان سعودی اهمیت ویژه‌ای دارد. ریاض از یک سو در مناسبات امنیتی خود با ایالات متحده پیوندهای دیرینه دارد و از سوی دیگر، در سال‌های گذشته تلاش کرده است از گسترش تنش با همسایگان و افزایش هزینه‌های بی‌ثباتی منطقه‌ای جلوگیری کند. تشدید تهدیدهای امنیتی علیه عربستان نیز ضرورت گفت‌وگو با دیگر بازیگران مؤثر منطقه را برای این کشور برجسته‌تر کرده است.

ترکیه نیز با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی خود، عضویت در پیمان‌های امنیتی و ارتباط با مجموعه‌ای از پیوندهای حساس منطقه‌ای، نمی‌تواند نسبت به تحولات ایران، خلیج فارس و خاورمیانه بی‌تفاوت باشد. پاکستان هم علاوه بر روابط سیاسی و

ترامپ؛ مامور آخرالزمان در بند اوانجلیست‌ها



مسیحیان دو هزار سال است بر سرترتیب بازگشت مسیح و هزاره سلطنت او بحث می‌کنند. غیر هزاره‌گرایان هزاره مطرح شده در منابع دینی را استعاری می‌دانند. پیشاهزاره‌گرایان باور دارند جهان بدتر می‌شود تا مسیح بیاید و سپس آرمان‌شهر برپا شود و مسیح هزار سال حکومت کند. پساهزاره‌گرایان معتقدند مسیح در پایان هزار سال حکومت مسیحی بازمی‌گردد و بسیاری می‌خواهند با انجیل‌گرایی سنتی آن را محقق کنند. جنبش اوانجلیستی، اصلاً حاکمات رسولی نوین، اما موضع چهارمی ساخته که بنیانگذارش، سی. پیتر واکنر، را شوخی‌کنان، همه-هزاره‌گرا (بن مینائل) نامید، همه چیز در نهایت «روبه‌راه» می‌شود.^(۱)

ترامپ و صهیونیسم مسیحی، سقوط عقلانیت در کاخ سفید اما در رابطه با متغیرانی‌ها، لابی اوانجلیستی با اندیشه‌ها و اعتقادات آخرالزمانی مختص خود و با داشتن بازوی قدرتمند اقتصادی و رسانه‌ای، همواره یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اهرم‌های قدرت بر سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا به‌شمار می‌روند. ظهور هر چه سریع‌تر مسیحیان صهیونیست بخشی از شاخه مسیحیت پروتستان بوده که معتقدند بازگشت هرچه بیشتر یهودیان جهان به سرزمین مقدس و شکل‌گیری اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی و نهایتاً برپا کردن هیکل سلیمان بر جای مسجدالاقصی موجب اوانجلیستی‌ها، ترامپ در دام صهیونیسم مسیحی به باور جنبش اوانجلیستی، مسیحیان باید با مسیحی‌تر کردن جهان، بازگشت دوم مسیح را محقق کنند.

واکتر نوشت: «وظیفه ما این است که فعالان روحانی و اجتماعی

شویم تا سلطه شیطان پایان یابد.» تلور می‌گوید آنها بدترین

عناصر پیشاهزاره‌گرایی و پساهزاره‌گرایی را ترکیب کرده‌اند، عقده آزار و توطئه «جاماندگان» همراه با چشم انداز فتح مسیحی. اوانجلیست‌ها در ایالات متحده با جمعیت حدوداً ۷۰ میلیون خود، جریان‌ی ذی نفوذ و قدرتمند بوده که عمدتاً شرکت‌های تسلیحاتی و کنسرسیوم‌های نفتی را تحت مالکیت خود دارند.

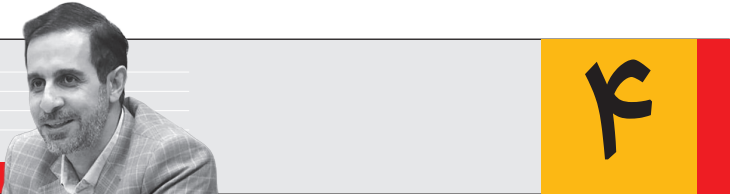
همچنین با داشتن چند صد شبکه تلویزیونی و رسانه‌ای قدرتمند و جمعیت قابل توجه، نقش بسزایی در انتخابات داشته و قدرتی تعیین‌کننده و بسیار اثرگذار در ایالات متحده منصوب می‌شوند.^(۲) از این رو سیاستمداران را حتی نمی‌توانند از آنان چشم‌پوشی کنند و معمولاً درصددند تار و نظر آنها را به روش‌های گوناگون به سمت خود جلب کنند. در حقیقت یک رابطه و یک وابستگی دو طرفه بین سیاستمداران ایالات متحده و اوانجلیست‌ها وجود داشته و دارد که امروزه نیز شاهدیم دونالد ترامپ از این قاعده مستثنا نبوده و همواره سعی کرده هرچه می‌تواند نظریان جریان را به خود جلب کند.

بر اساس نظرسنجی‌ها ۸۱ درصد رای اوانجلیست‌ها در انتخابات ۲۰۱۶ به سید ترامپ سرازیر شد و نیز یکی از دلایل پیروزی او در برابر تد کروز، آوردن رای اوانجلیست‌ها به سید آرای خود از طریق مطرح کردن انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به قدس بود.^(۳) از این منظر روابط اوانجلیست‌ها با دولت به گونه‌ای است که مایک پنس، معاون ترامپ یا برخی از قضات دادگاه‌عالی فدرال که نزدیک به جریان اوانجلیستی هستند، در دولت دونالد ترامپ جزو مقامات ارشد بوده و حضور و نفوذ بسیار مؤثری دارند. نگاه اوانجلیست‌ها به ترامپ به گونه‌ای است که در نگاه برخی از آنان ترامپ را فرستاده‌ای از جانب خداوند می‌دانند که آمده تا طرح‌های اوانجلیست‌ها را تکمیل کند. از این رو پائولو وایت، مشاور مذهبی ترامپ، که یک اوانجلیست متعصب است بیان می‌کند: «نه گفتن به ترامپ نه گفتن به خداست و هر که با ترامپ مخالفت کند ، در جنگ با خداست.» جنبش اوانجلیستی مدعی است «رسولان»



کم هزینه و یک ضرورت بسیار جدی به شمار می‌آید. پائولا وایت‌کین، مشاور روحانی ترامپ، مشاور ارشد دفتر ایمان کاخ سفید و عضو کمیسیون آزادی دینی وزارت دادگستری است. او در ۲۰۱۶ ترامپ را به چهره‌های جنبش اوانجلیستی معرفی کرد. ۸۱ درصد انجیلی‌های سفیدپوست به ترامپ رای دادند. از طریق وایت‌کین، جنبش اوانجلیستی دسترسی مستقیم تلفنی و حضوری به رئیس‌جمهور داشته است. مارک وین مولین، وزیر امنیت داخلی، با گرداندن‌گان این جنبش در اوکلاهما پیوند دارد.^(۴) مایک جانسون، رئیس مجلس، روابط مستند با این جنبش دارد. جی‌دی ونس در رویدادی به میزبانی نلس و آلانو سخنرانی کرد؛ یکی از «رسولان» این جنبش که در جریان انتخابات گذشت، رقیب ترامپ، کامالا هریس را به «جادوگری» متهم کرده است. در نهایت ۷۶ کارمند سابق موسسه سیاست آمریکا اول (جنبش اوانجلیستی) در دولت ترامپ حضور دارند؛ موسسه‌ای که از

۱- مشرق نیوز- کد خبر ۱۸۴۴۲۶۶ تاریخ انتشار: ۲ آبان ۱۴۰۵
۲- خبرگزاری قدس، «امین جعفری ۳۱/۰۳/۹۹
۳- نیویورک تایمز
۴- شبکه سی‌بی‌اس،
۵- خبرگزاری قدس، «امین جعفری ۲۱/۰۳/۹۹



وقتی شکاف عمیق میان ویتترین فریبنده وواقعیت عریان در فرانسه سربرمی آورد

نقاب پوک تمدن

است؟ آیا شهری که در تمیز کردن بستر روزمره زیست شهروندانش ناتوان است، می‌تواند داعیه دار طهارت فکری و فرهنگی برای دیگران باشد؟

تاریخ‌نویسی از روی غرور و ادعای تو خالی

فرانسه در طول تاریخ مدرن خود همواره نقشی طلبکارانه در برابر جهان اتخاذ کرده است. از متفکران برجسته عصر روشنگری همچون ولتر و روسو گرفته تا تاریخ‌نگارانی مانند ژول میشله، همگی نوعی ناسیونالیسم افراطی را بازتولید کردند که معتقد بود فرانسه «وجدان بیدار جهان» و معلم اول بشریت است. این پارادایم فکری در عصر استعمارگری، کثیف‌ترین چهره خود را زیر عنوان ماموریت متمدن‌سازی عریان کرد؛ توجیهی به‌ظاهر اخلاقی و فرهنگی که به ژنرال‌های پاریس اجازه می‌داد در الجزایر، ویتنام، کنگو و ماداگاسکار حمام خون راه بیندازند، دست و سرانسان‌ها را قطع کنند و ثروت‌های بومی را به یغما ببرند، همگی به این بهانه که قرار است فرهنگ والای فرانسوی و آداب متمدنانه را به ملل عقب‌افتاده هدیه دهند.

ادعای برتری فرهنگی فرانسه همواره با نوعی نخوت و از بالا به پایین همراه بوده است. دستگاه فکری پاریس همواره هر فرهنگ، سنت و ادبیاتی خارج از چارچوب سکولار و فرانسوی‌محور خود را غیر عقلانی یا فرودست نامید. فرانسوی‌ها عادت کردند دیگران را با خط‌کش خود اندازه‌گیری کنند، بدون اینکه لحظه‌ای به بازنگری رفتارهای فردی و اجتماعی خود بپردازند. آنان در دانشگاه‌ها و تریبون‌های بین‌المللی با کراوات‌های گره‌خورده و کلماتی پیچیده از کرامت‌الای انسان‌ی دفاع می‌کردند، درحالی‌که در میدان عمل، رفتارهای اجتماعی‌شان آکنده از تحقیر دیگران بود. این خود برتری‌بینی فکری سال‌ها دنیا را مسحور و مرعوب خود کرده بود، زیرا رسانه‌ها، کتاب‌های درسی و نخبگان وابسته به غرب در اقصی‌نقاط جهان، تصویر پاریس را به عنوان غایت تکامل اخلاقی بازنمایی می‌کردند. هیچ‌کس نمی‌پرسید کشوری که مدعی آموزش‌گرای انسانیت است، در حیات خلوت خود چه چیزی می‌پوردد؟ آیا آن نطق‌های آتشین و بیانه‌های حقوق بشری که در سالن‌های مجلل لوور و ورسای تدوین می‌شد، بازتابی در زیست واقعی، اخلاق جمعی و تعاملات روزمره شهروندان فرانسوی پاک‌بگرد داشت؟ تاریخ به ما نشان داد که تمدن فرانسوی هرفروق‌العاده‌ای در تنظیم متون شیک برای پوشاندن زشتی‌های عریان داشت.

وقتی آزادی به ولنگاری مسخ می‌شود

در دهه‌های اخیر، پوسته بیرونی این ادعاهای پرطمطراق با شدتی بی‌سابقه فرو ریخته‌است. پایتخت فرانسه امروز بیش از آنکه تجلی ارتقای اخلاقی، آزادی انسانی و رشد فضائل بشعاری باشد، به باتلاقی از رخنه‌های تاریک می‌بهرای اجتماع‌ی انحطاط اخلاقی بدل شده است. مفاهیمی چون حرمت حریم شخصی، امنیت زنان در معابر عمومی، پابندی به پیوندهای خانواده و مسئولیت‌پذیری اجتماع‌ی، زیر چرخ‌دنده‌های یک اباحه‌گری عنان‌گسیخته له شده‌اند.

کافی است پس از غروب آفتاب در محله‌هایی مانند سن مارتن، بلویل یا حوالی میدان جمهوری قدم زنید؛ پاریس شب‌ها به کاربوسی از ناامنی، حضور باند‌های سازمان‌یافته سرقت و جولان شبکه‌های توزیع مواد مخدر و بهره‌کشی جنسی تبدیل می‌شود. گزارش‌های متعدد سازمان‌های بین‌المللی و مراکز آمار‌ی خود فرانسه حاکی از آن است که بخش عمده‌ای از زنان دروسایل نقلیه عمومی این کشور، نوعی از آزار و تحقیر جنسی یا کلامی را تجربه کرده‌اند. زنان فرانسوی در مه‌د آزادی و حقوق بشر، حتی از پوشیدن لباس‌های داخ‌و‌ه در ایستگاه‌های خلوت مترو هراس دارند، مبادا طعمه خشونت‌های غیرقابل کنترل شوند.

فرورپاشی بنیاد خانواده در فرانسه صرفاً یک تحول آمار‌ی نیست، بلکه نشانه یک بحران در قلب این جامعه مدع‌ی است. وقتی مفهوم بنیادین آزادی از بنیان‌های اخلاقی و مسئولیت‌های فطری جدا شد، در قالب فردگرایی افراطی و لذت‌جویی زودگذر تجلی یافت. جامعه‌ای که روزگاری در ادب‌یاش به بررسی باریک‌ترین عواطف روحی انسان افتخار می‌کرد، اکنون در گرداب تنهایی عمیق، انزوا‌ی عاطفی، بحران افسردگی نسل جوان و نرخ‌های سرسام‌آور طلاق دست‌وپا می‌زند. آزادی در تعبیر فرانسوی، از ابزار‌ی برای رهایی‌ی استعداد‌های انسان به محملی برای توجیه بی‌تفاوتی مطلق انسان‌ها نسبت به رنج یکدیگر سقوط کرده است. دیگر نشانی از آن شفقت اجتماع‌ی و نزاکت رفتاری که ادعا می‌شد جزو لاینفک تمدن غرب است، در روابط

مرضیه کیان، خبرنگار: قرن‌هاست که حافظه جمعی جهان، فرانسه را با عطر نوستالژیک کلمات ویکتور هوگو، فلسفه کافه‌نشین‌های سن ژرمن، طنین انقلاب ۱۷۸۹ و ردای پرطمطراق مهد روشنگری و حقوق بشر، به تماشا نشسته است. این منظره مینیا‌توری و به شدت رمانتیک، پاریس را برای نسل‌های پیاپی به قیله آمال فرنگ‌دوستان و ترازوی سنجش ادب، هنر و ظرافت‌های انسانی بدل کرد. اما درست در سال‌روز انقلابی که وعده داده بود انسان را از بند تحقیر و بی‌عدالتی برهاند، نقاب‌های این صحنه‌آرایی تاریخی یکی پس از دیگری فرو ریخته است. پاریس امروز دیگر نه پایتخت اندیشه و وقار، بلکه جغرافیایی سرگردان میان آلودگی‌های زننده شهری، بوی تند و لاینحل ایستگاه‌های مترو، بحران‌های ممتد اجتماعی و گسست عمیق اخلاقی است. در این گزارش عمیقاً می‌پرسیم: کشوری که سال‌ها داع‌ی‌کرد رهبر فکری و فرهنگی جهان است، چطور از درون تا این حد دچار فروپاشی و ضعف شد؟ آیا فرهنگ و تمدن فرانسه از اول هم فقط یک ظاهر زیبا و تو خالی بود و اصالتی نداشت؟

پاریس را در تخیل جمعی، همیشه با مه رفیق صبحگاهی روی پل نفوف، صدای مجزون آکاردئون در کوچه‌پس‌کوچه‌های شیب‌دار مون مارتر، عطر نان باکت داغ و رمان‌های قطور بالزاک و سارتر به یاد می‌آوریم؛ تصویری کارت‌پستالی و به شدت تصنعی که در تار و پود سینما و صنعت تبلیغات غرب تنیده شده است. برای بیش از دو قرن، بورژوازی فرانسوی موفق شد تصویری از یک بهشت زمینی خلق کند، مکانی که در آن گویی مردمانش صرفاً با واژه‌های ادبی معاشرت می‌کنند، در عصرهای بارانی از آن‌گنیست‌ناسیالیسم سخن می‌گویند و در هوایی سرشار از عطر و هنر نفس می‌کشند. این تفرقه‌گی چنان با مہارت تراشیده شده بود که هرگونه تشکیک در آن، توهین به ساخت عقلا‌نیت و تمدن مدرن تلقی می‌شد.

اما اگر این لایه دروغین سینمایی را کنار بزنید و نخستین قدم‌های خود را از پله‌های مرطوب و چرکین ایستگاه‌های متروی «شاتله»، «گاردو نور» یا «سن دنی» به دنیای واقعی پاریس بگذارید، واقعیتی سهمگین چون تازیانه‌ای سرد به صورت‌تان برخورد می‌کند. نخستین نشانه‌ای که به استقبال مسافر می‌آید، بوی گزنده و ماندگار ادرار است؛ بویی که طی دهه‌ها به تازوپود دیوارهای سیمانی، گوشه‌های تاریک راهروها و صندلی‌های فرسوده مترو پاریس نفوذ کرده و عملاً به شناسنامه بوپایی این کلان‌شهر مشهور تبدیل شده است. موش‌های قریبه شهری بدون کمترین ترسی از جمعیت آنیوه، در امتداد ریل‌ها و چمن‌های حاشیه رود سن جولان می‌دهند و تلباری از زیاله‌ها، پاکت‌های پلاستیکی و ته‌سیگارهای کهنه، سگ‌فرش‌های تاریخی شهر را مدفون کرده‌اند. این تصویر عریان چنان با آن ذهنیت آتوکشیده و رمانتیک واقع‌ی پاریس که علم‌یادان‌ی‌ا‌چ‌ا‌رشد پدیده‌ای بالینی به نام «سندرم پاریس» را به رسمیت بشناسد، عارضه‌ای روانی که سالانه ده‌ها توریست به ویژه مسافران ژاپنی و شرق آسیا را به دلیل مواجهه با واقعیت کثیف، خشن و پرخشک‌ی‌پاریس روانه بیمارستان می‌کند، پرسش‌گزنده اینجا‌ست: کشوری که ادعا می‌کرد زیبایی‌شناسی، معماری و زندگی‌اش باید الگوی شربت باشد، چطور می‌تواند از ادعای بدیهی‌ترین نیازهای بهداشتی و شهری پایتخت افسانه‌ای خود به این استیصال شرم‌آور رسیده



روایتی مهیج از تاریخ ممنوعه ایران در «بعد ممنوع» منتشر خواهد شد

کتاب بعد ممنوع، داستان ماجراجویی تیم دانش‌آموزی رایتیک ایران است که در حال برگزاری فینال مسابقات رایتیک با تیم آمریکا هستند. برای آنها ماجراجویی به وجود می‌آید و با ماشین زمان، به مقاطع مهمی از تاریخ معاصر ایران، از جمله اشغال تهران در شهریور ۱۳۲۰، دوران کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و دوره واگذاری نفت ایران به بیگانه نه سفر می‌کنند. این اثر با تلفیق فضای علمی‌تخیلی و رویدادهای تاریخی، به موضوعاتی همچون دخالت قدرت‌های خارجی، وابستگی سیاسی و در دوران پهلوی می‌پردازد و تلاش می‌کند این مفاهیم را در قالب داستانی تصویری و متناسب با مخاطب نوجوان بازگو کند. کتاب کمیک بعد ممنوع، به‌زودی توسط انتشارات نوشکا منتشر می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند در مرحله پیش‌فروش، کتاب «بعد ممنوع» را از طریق تارنمای «من و کتاب» یا تفک دوره آموزش رایگان رایتیک (به صورت مجازی) به همراه ارسال رایگان به تمام نقاط ایران دریافت کنند.

اعلام زمان بندی و اساتید کارگاه‌های تخصصی جشنواره فیلم مقاومت

در نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت کارگاه تخصصی با هدف انتقال تجربه، ارتقای دانش سینمایی و ایجاد فرصت تعامل میان علاقه‌مندان، هنرجویان و فعالان حرفه‌ای سینما پیش‌بینی شده است. این کارگاه‌ها طیف متنوعی از موضوعات تخصصی سینما از جمله کارگردانی، تصویربرداری، موسیقی فیلم، مستندسازی، انیمیشن، فیلم‌نامه‌نویسی، طراحی پوستر، حضور در جشنواره‌های بین‌المللی و کاربرد هوش مصنوعی در تولید آثار سینمایی را دربرمی‌گیرند. مسعود فرارستی، علیرضا زرین‌دست، کمال تریزری، امید معلم، جواد عابدین، محمد برادران، هادی مقدم‌دوست، دانش آغیاشاوی، مسعود سخاوت دوست، محمد رضا مصباح، ابراهیم امینی، محیا دهقانی، محمد سرشار، محمد تقی پور، فاطمه سیاره، محسن اسلام‌زاده، فرزاد مومتن و مهدی بدوی اساتید این ۱۸ کارگاه هستند که از جمعه هفتم تا چهارشنبه سیزدهم آبان ۱۴۰۵ در بازه زمانی ساعت ۱۴ تا ۱۹:۳۰ در پردیس سینمایی ملت (خانه جشنواره) برگزار می‌شود. همچنین، علاقه‌مندان می‌توانند برای اطلاع از جزئیات کارگاه‌ها و تخفیف‌های ویژه به وبگاه رسمی جشنواره به نشانی www.resistanceiff.com مراجعه کنند. نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت از هفتم تا چهاردهم آبان به دبیری جلال غفاری در پردیس سینمایی ملت برگزار می‌شود.

روزمره یک پاریسی به چشم نمی‌خورد؛ آنچه مانده، خشم نهفته، پرخشگری‌های پیاپی در ترافیک و بی‌اعتنایی شرم‌آور به انسانی است که در چند قدمی آنان روی آسفالت جان می‌دهد.

فریب تاریخی فرم بدون اصالت

برای درک ریشه‌های این وضعیت، باید به عمق ساختار فرهنگی فرانسه نفوذ کرد و این پرسش را به میان کشید: آیا فرانسه از اساس دارای یک فرهنگ اصیل و انسان‌ساز بود یا تمام آنچه دیدیم، نمایشی شعیده‌بازانه از تقدم فرم بر محتوا و زیبایی‌سازی پوسته بود؟ پاسخ این معما را شاید بتوان در خود تاریخ فرانسه جست‌وجو کرد. در دربار لویی چهاردهم در کاخ مجلل ورسای، اشرافیت با گرانبهاترین پارچه‌ها، کلاه‌گیس‌های تزئین‌شده و پیچیده‌ترین انیکت‌های رفتاری حاضر می‌شدند، در حالی‌که در همان کاخ‌شکوه، سیستم دفع فاضلاب ابتدایی وجود نداشت و تعفن فضولات در راهروها می‌پیچید. صنعت مشهور عطر فرانسه نه از سر عشقی پاک به بوهای خوش، بلکه ضرورتی زیستی برای خفه کردن بوی نامطبوع تن‌های ناماستر و محیط زندگی اشراف دربار‌ی متولد شد. این کشمکش تاریخی دقیقاً ذات تمدن فرانسوی را آشکار می‌کند: آرایش افراطی صورت برای پنهان کردن غوغت سیرت. در ساحت فرهنگ و اندیشه معاصر نیز ما همین الگو روبرو بوده‌ایم. روشنفکر فرانسوی یاد گرفت که کلمات را با وزانت‌های پاریس که به‌بالنبو، شهرت دارند، مصداق بگیرد و پارادوکس‌های زبانی خلق کند، اما وقتی زمان پیاده‌سازی این نظریات در میدان جامعه رسید، کارایی آن از میان رفت. این فرهنگ فریمک، زبانی فاخر برای نقد رنج انسان در متون ادبی خلق کرد، اما همزمان در ساختن جامعه‌ای عادلانه، باخلاق و آرام شکست خورد. حاشیه‌های پاریس که به‌بالنبو، شهرت دارند، مصداق باز این نفاق ساختاری هستند؛ مناطقی غرق در فقر، زهرکاری و تحقیر نژادی که دهه‌هاست توسط ساختار به اصطلاح روشنفکر فرانسوی طرد شده‌اند. فرانسه به فرهنگی می‌بالد که در کتابخانه‌ها می‌درخشید اما در خیابان، توان تربیت نسل صبور، پاکیزه و منضبط را نداشت.

شعار مشترک هیات‌ها در فاطمیه با بیرق خونخواهی، ما لشکر زهرا ایمیم (س)



و مشارکت در مسائل واقعی جامعه فراهم کند. در کنار محور اصلی «بعثت زنانه»، موضوعاتی همچون میدان‌داری مردمی با تکیه بر الگوی فاطمی و مدار ولایت، مکتب فاطمی و سبک زندگی مقاوم، وحدت فعال حول محور ولایت و زمینه‌سازی ظهور، اقتصاد مقاومتی و عدالت خواهی و همچنین روایت فتح، امیدآفرینی و مواجهه با جنگ رسانه‌ای نیز در شمار محورهای فرعی فراخوان امسال قرار گرفته‌اند.

فاطمیه در گد ر شعارها

انتخاب شعار مشترک برای ایام فاطمیه، سابقه‌ای چندساله دارد و در هر دوره، متناسب با جهت‌گیری محتوایی آن سال، عبارتی به عنوان محور مشترک فعالیت هیات‌ها و مجموعه‌های مذهبی معرفی شده است. مرور شعارهای این سال‌ها، بخشی از روند صورت‌بندی پیام محوری فاطمیه در قالب عباراتی کوتاه و قابل استفاده در برنامه‌ها و تولیدات فرهنگی را نشان می‌دهد.

در سال ۱۳۹۲، شعار «فاطمیه فصل بیعت با علی است»، انتخاب شد و در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴، عبارت «او ایستاد پای امام زمان خویش، محور مشترک قرار گرفت. شعارها با ولایت تا شهادت، در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ دنبال شد و در سال ۱۳۹۷، بارمز یا زهرا حساسه آفریدیم، به عنوان شعار فاطمیه معرفی شد. در سال ۱۳۹۸، شعار «مدیون لطف مادرین خانواده‌ایم، انتخاب شد و سال ۱۳۹۹ با شعار «این روزها دستی به سمت ذوالفقار است؛ ادامه یافت. در سال ۱۴۰۰، «ذکر یا فاطمه سربند سلیمانی‌هاست» و در سال ۱۴۰۱، «ای حمایت آبروی

مادران شهر ما» به عنوان شعارهای مشترک مطرح شدند. در سال ۱۴۰۲، شعار «مادر مظلومه بود و یاور مظلوم‌ها» و در سال ۱۴۰۳، «ما مثل زهرا پای حق می‌ایستیم، انتخاب شد. در سال ۱۴۰۴، نیز «رمز پیروزی ما یا زهرا هست» بود؛ شعاری که در امتداد پیوند تن‌های توسل به حضرت زهرا

(س) و مفهوم ایستادگی قرار داشت.

اکنون در فاطمیه ۱۴۰۵، شعار «ما با بیرق خونخواهی ما لشکر زهرا ایمیم (س)» در ادامه این مسیر انتخاب شده است. وجه محوری فراخوان فاطمیه، پیوند دادن مفهوم خونخواهی با مستولیت‌پذیری و نقش‌آفرینی اجتماعی است؛ رویکردی که در محور محتوایی «بعثت زنانه» نیز بازتاب یافته است.

دعوت به مشارکت هیات‌ها با حفظ هویت مستقل

پس از نهایی شدن شعار، از هیات‌ها و مجموعه‌های مذهبی خواسته شده است ضمن حفظ شعار، نشان و استقلال خود، در این حرکت جمعی مشارکت کنند و عبارت مشترک را در کنار هویت بصری اختصاصی‌شان، در تولیدات، تبلیغات و فضا‌سازی‌های مرتبط با فاطمیه درج کنند و در محتوای برنامه‌های خود نیز مد نظر قرار دهند. نشان نوشته اختصاصی این شعار نیز قرار است در ادامه در اختیار مجموعه‌ها قرار گیرد.

این حرکت با همراهی مجموعه‌هایی از جمله شورای هیات‌های مذهبی، کانون مداحان، جامعه ایمانی مشعر، هیات زمندگان اسلام، سازمان بسیج مداحان، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی، مجمع شاعران اهل بیت (ع)، مجمع کانون‌های فرهنگی تبلیغی، بنیاد دعل خزاعی، هیات‌های دانشجویی، شورای هیات و مداحان بانوان، شورای هماهنگی شبکه‌های هیات و تشکل‌های دینی و سازمان هیات و تشکل‌های دینی دنبال می‌شود.

شعار مشترک امسال، در کنار ایجاد زمینه‌ای برای هم‌صدایی هیات‌ها در ایام فاطمیه، بر یک مسئله محتوایی نیز تمرکز دارد؛ چگونه می‌توان پیام مکتب فاطمی را از فضای شراسم و سوگواری فراتر برد و آن را به مسئولیت‌پذیری، پیوندهای اجتماعی و نقش‌آفرینی در زندگی روزمره گره زد؟ پرسشی که پاسخ به آن، به محتوای برنامه‌های هیات‌ها و نحوه ارتباط آنها با مخاطبان در فاطمیه امسال وابسته خواهد بود.



بازتعریف چهره یک ملت در حافظه مشترک بشر در سینمای کیارستمی

پیروزی زندگی بر ویرانه‌های تاریخ

۲۷ اکتبر در تقویم یونسکو، مجالی است برای اندیشیدن به سرنوشت «میراث دیداری و شنیداری»؛ روزی برای بازخوانی این واقعیت که ملت‌ها چگونه و با چه تصویری در آرشيو ناخودآگاه جهان ذخیره می‌شوند. واقعیت تاریخ معاصر این است که تصویر ملت‌ها همواره در معرض مصادره است. رسانه‌های مسلط بین‌المللی، کشورها را نه بر اساس جریان آرام زیست روزمره، بلکه برپایه بحران‌ها، تنش‌های مرزی، تحولات قدرت و وقایع اضطراری بایگانی می‌کنند. در چنین نظامی، مردمان سرزمین‌های خاورمیانه اغلب پشت توده‌ای از تصاویر متشنج، هیاهو و خطوط قرمز اخبار کم می‌شوند. اما در تاریخ ثبت تصاویر لحظاتی وجود دارد که یک نگاه، جریان این حافظه جمعی را تغییر می‌دهد. ورود فیلم‌های عباس کیارستمی به منظومه سینمای جهان در دهه‌های پایانی قرن بیستم، دقیقاً چنین برنگاهی بود؛ تلاشی برای تثبیت سندی دیداری که در آن، چهره واقعی یک جامعه از لابه‌لای قضاوت‌های شتاب‌زده بیرون کشیده شد.

پیش از هر بازخوانی، باید به قاعده‌ای حیاتی بازگشت. هر سینماگر، متفکر یا هنرمندی، فرزند بی‌واسطه زمانه خویش است. نمی‌توان کیارستمی را جدا از جغرافیای سال‌های پایانی دهه ۶۰ و ۷۰ خورشیدی فهمید؛ دورانی که جامعه ایران بعد از تجربه دگرگونی‌های بنیادین و سال‌ها جنگ فرسایشی، در انزواپی تحمیلی نفس می‌کشید. در آن فضا، دستگاه‌های رسانه‌ای غرب پیوسته در پی بازتولید تصویر بسته‌ای از یک جغرافیای بحران‌زده بودند. کیارستمی به نسلی از روشنفکران تعلق داشت که خستگی عمیق ناشی از شعارها، بحران‌ها و تلاطم‌های سیاسی را با پوست و گوشت خود چشیده بود. کنش او برای بازگشت به سوزهای خرد، انتخاب فضاهای دور از پایتخت و پناه بردن به خلوت انسان‌های ناشناس، یک گریز از سرب‌مستولیتی نبود، بلکه واکنشی حساب‌شده به یک نیاز تاریخی به شمار می‌رفت. یعنی بازپایی اصل «انسان ایرانی» در روزگاری که هویت او داشت زیر آوار تیتروهای خبرگزاری‌ها خفه می‌شد. او با فهم دقیق مختصات دورانش، دوربین را از شلوغی‌های سیاست دور کرد تا بنیادی‌ترین لایه‌های حیات فرهنگی این سرزمین را روی پرده ثبت کند.

اخلاق، پشت سر و صدای سیاست زنده می‌ماند

نخستین ضربه اساسی کیارستمی به پیش‌فرض‌های جهان در پایان دهه ۸۰ میلادی با «خانه دوست کجاست؟» وارد شد. در زمانه‌ای که رسانه‌های غربی از ایران تصویری سراسر تاریک و غرق در اینتولوزی مخایره می‌کردند، لنز او در روستایی در شمال کشور به دنبال پایدنی وسواس‌گونه یک کودک خردسال به وجدان فردی‌اش رفت. قصه برای ذهن‌های پیچیده‌پسند محافل سینمایی بسیار ساده به نظر می‌رسید؛ احمد برای بازگرداندن دفتری که اگر در دست صاحبش نباشد مجازات دربی دارد، کوچه‌های خاکی کوکرو پشته را زنبری می‌گذارند.

منتقدان برجسته‌ای همچون گادفری چشایر در تحلیل‌های خود بر این نکته درنگ کردند که فیلم، مخاطب بین‌المللی را به بازنگری فرض‌هایش درباره خاورمیانه وادار می‌کند. جهان بیرونی ناگهان با جامعه‌ای مواجه شد که در آن ساختارهای ملب و محافظه‌کارانه سنتی به چشم می‌خورد. اما در هسته مرکزی روابط آدم‌هایش، احترامی شکنده، حیا، مراقبت اخلاقی از دیگری و همبستگی انسانی نبض می‌زد. کیارستمی نشان داد که حتی در سخت‌ترین شرایط جغرافیایی و اقتصادی، شأن انسانی و بار مسئولیت وجدانی در حاشیه نمی‌ماند. او اخلاق زیست روزمره ایرانی را

به عنوان ورنه‌ای تعادل بخش در برابر روایت‌های خشن سیاسی ثبت کرد؛ نمایه‌ای دیداری از سرزمینی که در آن عهد یک کودک، هم‌تراز بزرگ‌ترین مسائل اخلاقی تاریخ بشر قرار می‌گیرد.

جهان تصویر، دستور زبانش را از شعر می‌گیرد

وجه دیگر تصویری که کیارستمی به بایگانی بصری جهان پیوند زد، بازتعریف «نگاه» بود. برای دهه‌ها، بازنمایی شرق در سینمای بین‌المللی میان دو قطب اگروتیک در نوسان بود؛ یا جلوه‌های توبیستی و هزارویک شبی، یا نمایش سیاه فقر و انسداد. کیارستمی با بهره‌گیری از سنت‌های پنهان تفکر ایرانی، مسیر سومی گشود. در آثاری چون «باد ما را خواهد برد»، او دستور زبان شعر کهن و معاصر فارسی را مستقیم به فرم بصری تبدیل کرد. حضور عناوین اشعار سهراب سپهری یا فروغ فرخزاد در عنوان فیلم‌هایش، یک علاقه تئوریتی به ادبیات نبود، بلکه اعلام رسمی نحوه تماشای او از جهان به شمار می‌رفت.

منتقدان اروپایی، به‌ویژه نویسندگان نشریاتی چون کایه دو سینما، مجذوب شیوه‌ای شدند که کیارستمی برای مواجهه با زمان ابداع کرده بود. دوربین او به‌جای پیروی از منطق ریتم تند و نمایشی سینمای غرب، پاپیند به مکث، تأمل و ایجاد فاصله با سوزه بود. باد در میان گندم‌زارها، حرکت آرام سایه‌ها روی دیوارهای کاه‌گلی و چشم‌انداز راه‌های پیچ در پیچ، امتداد نگاه خیامی به گذرا بودن زندگی بود. کیارستمی تصویری از ایران ساخت که دارای لایه‌های فلسفی مستقل و درون‌زا بود؛ فرهنگی که برای درک رازهایش به عجله احتیاج ندارد و ارزش جهان را در مکث‌های میان کلمات و پرهیز از پرحرفی جست‌وجو می‌کند. این تصاویر به تماشاگر غربی یاد داد که این جغرافیا، مالک نگاهی وجودی به پیرامون خویش است؛ نه فقط مصرف‌کننده فرم‌های وارداتی مدرنیته.

غریزه زندگی بر ویرانی تاریخ پیروزی می‌شود

شاید تعیین‌کننده‌ترین لایه این میراث فرهنگی، نوع مواجهه با بحران و فاجعه بود. تاریخ ایران همواره صحنه تلاقی ناامنی‌های تاریخی و آسیب‌های سنگین اقلیمی بوده است. در تابستان ۱۳۶۸، پس از زلزله مرگبار منجیل و رودبار، واکنش غربی‌ها رسانه‌ای ثبت اجساد، ناله‌ها و مصیبت‌زدگی محض بود. اما در این نقطه نیز، رویکرد کیارستمی در «زندگی و دیگر هیچ» خلاف مسیر آپ حرکت کرد. او به قلب جغرافیای مصیبت رفت، اما لنزش به جست‌وجوی نشانه‌های سرسختانه حیات بازماندگان خیره شد.

در فیلم، درست در چند قدمی خانه‌های فروخته‌شده، زنی کنار ویرانه‌ها نشن آبی می‌گذارد تا لباسی را تمیز کند. در دامنه‌ای ویران زندگی تازه‌ای با برپایی چادری شکل می‌گیرد و پسر بچه‌ای تمام تمرکزش را روی تنظیم جهت آنتن برای تماشای فوتبال می‌گذارد. این تصاویر درکی جدید از روح جمعی مردم این فلات را به محافل فرهنگی بین‌المللی ارائه داد؛ فرهنگی با قابلیت شگفت‌انگیز در بازسازی حیات پس از هرویرانی بزرگ تاریخی. تکامل این تفکر در «طعم گیلاس» به نمایش درآمد؛ جایی که فیلم‌ساز با تمرکز بر مسئله پایان دادن خودخواسته به زندگی، پاسخ را نه در راه‌مانها یا توصیه‌های کلامی، بلکه در ریتم ملموس‌ترین ابعاد زندگی جست‌وجو می‌کند. مونولوگ پیرمرد درباره لذت چشیدن طعم توت در ابتدای صبح، عصاره یک زیست جهان فرهنگی است که در آن، امید نه یک توهم انتزاعی، بلکه پیوندی عمیق با واقعیت محسوس خاک، درخت و نور است. کیارستمی به جهان نشان داد که زیر پوست زنج‌های مکرر تاریخی، اراده‌ای شکست‌ناپذیر برای تداوم زندگی نهفته است. میراث دیداری و شنیداری یک سرزمین، ترازویی است برای سنجش وزن آن فرهنگ در حافظه مشترک بشر. آنچه عباس کیارستمی روی پرده‌های جهان حک کرد، رد پایی انکارناپذیر از کرامت انسان ایرانی، پیوند دیرینه‌اش با شاعرانگی و مقاومت بی‌ادعایش در برابر فجاج بود. او در مقطعی بحرانی از تاریخ معاصر، تصویری اصیل، درون‌گرا و عمیق از این جامعه را در آرشيو تاریخ سینما جاودانه کرد؛ تصویری یادگار که حتی پس از فرونشستن غبار تمام جنجال‌های روزگار همچنان زنده، مستقل و شفاف به جهان می‌نگرد.

قهرمانان بدون نقاب

چگونه آدم‌های معمولی به اوج رسیدند؟

به ۲۷ تا ۲۸ ساعت مصاحبه درباره مدافعان حرم در مشهد گرفته بودیم، یک پازل ذهنی کامل و دقیق اتفاقات آن سال‌ها شکل گرفته بود. بسیاری از روایت‌های این کتاب به اصطلاح «متواتر» بودند؛ یعنی افراد مختلفی در گفت‌وگوهای گوناگون به آنها اشاره کرده بودند و با تکیه بر این مستندات و بررسی‌های میدانی، از دقت روایت‌ها کاملاً مطمئن شدیم.»

لقب «۱۲ خبیث»؛ شوخی نظامی یا نشانه‌ای از شکاف با ساختارهای رسمی؟

احمدیان درباره علت نام‌گذاری این گروه توسط حاج قاسم و اینکه آیا این لقب نشان دهنده شکاف میان روحیات خودجوش این جوانان و ساختارهای خشک نظامی بوده است، گفت: «واقعیت این است که این بچه‌ها گاهی واقعا نظم‌پادگان را به هم می‌ریختند. خیلی از آنها آدم‌های سرشناس یا از اقوام چهره‌های نظامی بزرگ منطقه بودند. در کتاب هم به این موضوع اشاره شده است، دیدارهای مختلفی که با فرماندهان صورت می‌گرفت، ابتدا باعث می‌شد فرماندهان تنها چهره شیطن‌های این بچه‌ها را ببینند و آنها را با همین لقب‌ها بشناسند.»

او ادامه داد: «اما به تدریج متوجه شدند که پشت این ظاهر شوخ و طبع و قانون شکنانه شان، وجوه بسیار عمیق، کارآمد و قابل اعتمادی وجود دارد که میدان‌دار عملیات‌های سخت است. کتاب «آن دوازده نفر» فراتر از یک روایت نظامی، تصویرگر بچه‌های معمولی کوچه و بازار است، جوانانی از نسل جدید که نه جنگ را دیده‌اند و نه امام خمینی (ره) را درک کرده‌اند، اما با همان دغدغه‌های زمینی و رفاقت‌های صمیمی، پای آرمان‌های بزرگ ایستادند.»

محقق کتاب درباره انگیزه و نگاه این جوانان به مقوله دفاع از حرم گفت: «برخی فکری می‌کنند برای رسیدن به این جایگاه

حتماً باید مسیرهای خاصی طی شده باشد، درحالی‌که این بچه‌ها از دل همین جامعه و کوچه و بازار آمده بودند، یکی نانوا بود، یکی کارگرام‌دی، دیگری در قطار شهری کار می‌کرد و برخی ورزشکار یا بنا بودند. اینها بچه‌های معمولی روزگار ما بودند که با همان

زیست زمینی، اما با قلبی پاک و اراده‌ای پولادین راهی میدان شدند.» او در تبیین پیام پنهان اثر افزود: «بزرگ‌ترین ستاورد این کتاب در هم شکستن کلیشه‌ها و تصاویر ذهنی دور از دسترس درباره شهدا است و ثابت می‌کند تفکر و اندیشه امام خمینی (ره) و جریان انقلاب اسلامی یک پدیده مقطعی و متعلق به گذشته نیست. نسلی که نه جنگ را دیده بود و نه دوران انقلاب را، وقتی پای دفاع وسط آمد، همه چیز خود را فدا کرد. این کتاب نشان می‌دهد که عظمت این تفکر همچنان زنده است و دشمنان باید از همین مردم عادی و بچه‌های کوچه و بازار بترسند؛ چرا که قدرت معنوی و اخلاص این رزمندگان فراتر از ساز و برگ‌های نظامی است.»

شکستن اسطوره‌سازی‌های افراطی و بازگشت به واقعیت آدم‌ها

محقق کتاب درباره این رمزگشایی بزرگ و نگاه متفاوتی که کتاب به مخاطب ارائه می‌دهد، معقف است: «مخاطب امروزی با تورق این اثر با حقیقتی روبه‌رو می‌شود که پیشتر کمتر به آن پرداخته شده بود و می‌تواند زاویه دید تازه‌ای نسبت به مقوله دفاع از حرم پیدا کند. برخی خانواده‌ها یا افراد شاید تصور کنند که اگر از ابعاد زمینی، شیطنت‌ها، شوخ طبعی‌ها یا خطاهای انسانی شهدا گفته شود، ممکن است شأن و جایگاه آنها پایین بیاید؛ در حالی‌که ارزش واقعی کار شهدا دقیقاً در همین نقطه معنا پیدا می‌کند.»

محمد مهدی احمدیان در پایان گفت: «رمز بزرگ این کتاب در همین نکته نهفته است که به مخاطب نشان می‌دهد لازم نیست انسان‌ها برای رسیدن به بالاترین درجات انسانی و مقام شهادت، از ابتدا موجوداتی ماورایی، دست‌نیافتنی و بدون عیب و نقص بوده باشند. این شهدا دقیقاً از میان آدم‌های معمولی جامعه، با همین دغدغه‌های روزمره، شوخی‌ها و حتی تفاوت‌های فردی برخاستند، اما در یک برهه حساس، با یک تصمیم بزرگ و خلوص نیت، به بالاترین جایگاهی که یک انسان می‌تواند برسد دست یافتند. این نگاه فرشتگان آسمانی، بلکه با دست‌های همین مردم معمولی، جوانان کوچه و بازار و انسان‌های زمینی حفظ شده و به پیش رفته است؛ پیامی که برای نسل امروز ملموس‌تر، الهام‌بخش‌تر و واقعی‌تر است.»



خاطرات و روایت‌های دفاع از حرم همواره سرشار از ابعاد ناگفته، لطیف و در عین حال حماسی است. کتاب «آن دوازده نفر» حاصل یک مسیر پژوهشی عمیق و پیگیری‌های مداوم است تا یکی از خاص‌ترین گروه‌های رفاقتی مدافعان حرم به تصویر کشیده شود. به گزارش «آگاه» محمد مهدی احمدیان، محقق کتاب «آن دوازده نفر»، درباره نقطه شروع این پژوهش گفت: «ورود من به این حوزه با آشنایی با نخستین شهید مدافع حرم مشهدی، شهید حسن قاسمی‌دانا، در سال ۱۳۹۲ کلید خورد. شهادت حسن این حس را میان رفاقی‌اش ایجاد کرد که بایی جدید برای نوکری و خدمت به اهل بیت (ع) و دفاع می‌گرفتم. به یک خط مشترک میان آنها رسیدیم؛ اینکه بسیاری از این بچه‌ها از مسجدهای در نیش بلوار ۷ و ۱۷ آباد مشهد، یعنی مسجد امام حسن مجتبی (ع) دور هم جمع شده بودند و کارهای جدی فرهنگی و اجتماعی انجام می‌دادند. او افزود: «با جدی‌تر شدن اعزام‌ها به سوریه و شهادت حسن، این غلیان در میان بچه‌های مسجد امام حسن مجتبی (ع) پرتنگ‌تر شد. هرچه جلوتر رفتیم و روایت‌ها را دنبال کردیم، این جمع محدودتر شد تا اینکه به گروه ۱۲ نفره رسیدیم؛ افرادی که با واسطه مرتضی عطایی، که تجربه حضور قبلی در سوریه و عملیات‌های موفق داشت. مسیر تازه‌ای را پیش روی خود دیدند.»

احمدیان درباره نحوه گردآوری اطلاعات و حجم پژوهش‌های صورت‌گرفته توضیح داد: «برخلاف تصور اولیه، من برای این کتاب از ابتدا به دنبال یک مصاحبه واحد و متمرکز ۱۲ نفره نبودم. ما در ابتدا برای شهدای مختلف مصاحبه‌های مجزا و اختصاصی می‌گرفتیم تا بتوانیم کتاب‌های جیبی کوچکی تولید کنیم. اما هرچه جلوتر می‌رفتیم، خط مشترک و جذاب این ۱۲ نفر خود نمایاں کرد.»

محقق اثر با اشاره به تنوع اصالت این گروه و وسعت کار پژوهشی گفت: «نکته جالب اینجاست که از این جمع ۱۲ نفره، ۱۰ نفر مشهدی بودند و دو نفر اهل شمال و تهران. حجم مصاحبه‌های گرفته‌شده برای تک‌تک این افراد بسیار بیشتر از محتوای نهایی کتاب است، اما فقط بخش مرتبط با تلاش این گروه ۱۲ نفره را در کتاب بازتاب دادیم.»

چالش کشف حقیقت در میان روایت‌های چندضلعی

احمدیان درباره سخت‌ترین مرحله این پژوهش و پیوند زدن روایت‌ها به یکدیگر بیان کرد: «سخت‌ترین بخش مستندسازی، جمع‌کردن و به هم وصل کردن این روایت‌ها بود. این یک روایت جمعی بزرگ بود و هر کسی ما چرا را از منظر خودش تعریف می‌کرد و متامل کردن اینها با یکدیگر کار آسانی نبود. با این حال، جذاب‌ترین و شیرین‌ترین قسمت تاریخ شفاهی برای ما همین جابو؛ اینکه بنویسی و کشف کنی درست همان نقطه‌ای است که دیگری به آن اشاره کرده و روایت‌های مختلف، پازل ذهنی تو را کامل‌تر و مسیر داستان را دقیق‌تر می‌کنند.» او خاطر نشان کرد: «در مقدمه کتاب هم اشاره کردیم؛ با توجه به اینکه این اثر بخش‌های کوچکی از روایت این آدم‌های بزرگ را دربر



کشتی پهلوانی؛ از قهرمانی ورزشی تا میراث جوانمردی

بازوبندی که فقط با زور بازو به دست نمی‌آید

یعنی قهرمان باید در رفتار و منش نیز الگوی جوانمردی، فروتنی و کمک به دیگران باشد.

امروزه، برگزاری مسابقات رسمی کشتی پهلوانی، رقابت‌های باشگاهی و آیین انتخاب پهلوان ایران، بخشی از تلاش برای حفظ و بازآفرینی این میراث است. با این تفاوت که انتخاب پهلوان در چارچوب رقابت‌های رسمی، تابع مقررات ورزشی و سازوکار اجرایی مشخصی است. همچنین لیگ برتر کشتی پهلوانی، در صورت برگزاری در هر فصل، عرصه رقابت تیم‌ها و باشگاه‌هایی است که ورزشکاران خود را برای حضور در مسابقات معرفی می‌کنند. این رقابت‌ها از نظر ساختار با مسابقات انفرادی انتخاب پهلوان کشور تفاوت دارند زیرا در لیگ، عملکرد تیم‌ها در چارچوب مسابقات تعیین‌کننده جایگاه باشگاه‌هاست.

دی سال ۱۴۰۴ احمد میرزاپور برای سومین مرتبه عنوان پهلوانی کشور را به دست آورد. اما در سال ۱۴۰۵ هنوز مشخص نیست بازوبند پهلوانی به چه کسی تعلق می‌گیرد.



ورزشی، باشگاه‌ها شکل گرفتند و اصول جدید ورزشی حاکم شد. در سال ۱۳۲۳ و با پیشنهاد انجمن ملی تربیت بدنی، حکومت وقت برگزاری رقابت‌های کشتی پهلوانی را به شکلی رسمی تصویب کرد تا هر سال پهلوان ایران از دل این رقابت‌ها معرفی شود و بازوبند پهلوانی را به صورت امانت برای یک سال در اختیار داشته باشد که در صورت تکرار این قهرمانی در سه سال پیاپی صاحب بازوبند پهلوانی شود.

ریشه‌های باستانی دارد، اما چارچوب نوین آن از سال ۱۳۲۳ (۱۹۴۴) برگزار شد. برنده این رقابت‌ها پهلوان نامیده و به او بازوبند پهلوانی داده می‌شود. کشتی پهلوانی از سنت‌های ریشه‌دار ورزش ایران است که در پیوند با فرهنگ زورخانه‌ای، آیین قنوت و منش پهلوانی شکل گرفته است. در این سنت، قدرت جسمانی به تنهایی معیار ارزیابی نیست و رفتار ورزشکار در برابر حریف، رعایت اصول جوانمردی و احترام به آیین رقابت نیز اهمیت دارد. مراسم اهدای بازوبند پهلوانی معمولاً پس از برگزاری مسابقات کشتی پهلوانی کشور و مشخص شدن قهرمان برگزار می‌شود. کشتی‌گیران در وزن‌های مختلف رقابت می‌کنند و مدعیان عنوان پهلوانی، به‌ویژه در وزن سنگین، برای کسب قهرمانی به مصاف یکدیگر می‌روند. پس از مشخص شدن برنده، عنوان پهلوان سال به او تعلق می‌گیرد و بازوبند پهلوانی به عنوان نماد این افتخار، معمولاً در مراسمی رسمی به او اهدا می‌شود. در سنت این رقابت‌ها، بازوبند نماد مسئولیت اخلاقی پهلوان در کنار قدرت جسمانی است؛

چهارم آبان ۱۳۳۸ یادآور خاطره‌ای از تاریخ ورزش ایران است؛ روایتی که نام غلامرضا تختی، قهرمان نامدار کشتی ایران را با سنت پهلوانی و بازوبندی گره می‌زند و معنای آن فراتر از یک عنوان ورزشی است. بازوبند پهلوانی در فرهنگ ورزش ایران، نشانه برتری در میدان رقابت و یادآور پیوند قدرت بدنی با جوانمردی است؛ سنتی که سال‌هاست با برگزاری مسابقات کشتی پهلوانی و انتخاب پهلوان ایران زنده نگه داشته می‌شود.

به گزارش «آگاه» رقابت‌های کشتی پهلوانی ایران برای شناختن پهلوان ایران، در واقع رقابت‌های ورزشی است که هر ساله در ایران برگزار می‌شود و در آن ورزشکاران از سراسر ایران برای دستیابی به بازوبند در آن شرکت می‌کنند. اگر چه این رقابت‌ها

تاریخچه پهلوانی و بازوبند پهلوانی

نقش ویژه و تأثیرگذار پهلوانان بر تاریخ ایران است. در زبان فارسی ایران باستان بیش از ۳۰ لغت در ارتباط با مفاهیم قهرمان و پهلوان وجود دارد که خود این موضوع میزان علاقه وافر ایرانیان به قهرمانان و پهلوانان را مسلم و آشکار می‌کند. از سابقه و تاریخ پیدایش این رشته در ایران روایات مختلفی مطرح است اما کتاب تاریخ نشان می‌دهد که ۵۰۰ سال پیش در لرستان و بین‌النهرین آثار وجود داشته که حکایت‌های وجود و اهمیت داشتن ورزش و مهارت‌هایی است که امروز «کشتی» نامیده می‌شود. نام کشتی از کمربندی به نام «کستی» گرفته شده که زرتشتیان هنگام خواندن دعا و پهلوانان برای رویارویی با حریفان خود آن را به کمر می‌بستند. غیر از آثار زرتشتیان، نوشته‌های مورخین یونانی و رومی و همچنین شاهنامه فردوسی، همه دال بر اصالت و قدمت فرهنگ کشتی و پهلوانی در ایران است.

در تاریخچه کشتی پهلوانی و ورزش‌های زورخانه‌ای آمده است که ورزش و انجام حرکات پهلوانی جزو فعالیت‌های اصلی روزمره ایرانیان در دوران باستان بوده است. جامعه آن زمان ارزش خاصی برای ورزشکاران خود قائل می‌شدند. چراکه آنان به‌خاطر داشتن قدرت بدنی و شجاعت روحی، شکرگزار بوده و هرگاه که نیاز می‌شد برای دفاع از خانواده و سرزمین خود در برابر دشمنان حاضر به جانشانی بودند.

پهلوانان همیشه جایگاه ویژه‌ای در بین مردم و حاکمان داشته‌اند. آنها گاه سرنوشت جنگ‌ها را هم رقم می‌زدند به این ترتیب که پهلوان‌های دو طرف جنگ بدون درگیر شدن لشکرها با یک‌دیگر رقابت پهلوانی سرنوشت جنگ را مشخص می‌کردند. راه یافتن داستان پهلوانان به ادبیات و شعر ایران زمین، به وجود آمدن مرام‌نامه‌ها و قنوت‌ها و انتقال سینه به سینه و نسل به نسل ماجراهای پهلوانان در بین مردم ایران زمین، نشان‌دهنده

پهلوانان نمی‌میرند!

پهلوانان صاحب بازوبند پهلوانی پس از رسمی شدن مسابقات پهلوانی:

پهلوان مصطفی طوسی (۱۳۲۴، ۱۳۲۵)
پهلوان محمود بنی‌النیر (۱۳۲۶)
هلوان ابوالقاسم سخندری ۱۳۲۷
عباس زندی (۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱ و ۱۳۳۴)
پهلوان احمد وفادار (۱۳۳۰، ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲)
جهان پهلوان تختی (۱۳۳۶، ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸)
یعقوب علی شوروری ۱۳۴۰
منصور مهدیراده (۱۳۴۱ و ۱۳۴۴)
رضا سوخته‌سرای ۱۳۵۴
علیرضا سلیمانی پهلوان‌باشی (۱۳۵۸، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵ و ۱۳۶۹)
محمدحسن محبی (۱۳۶۳ و ۱۳۶۷)
محمد رضا توپچی (۱۳۶۶ و ۱۳۶۸)
مجید انصاری ۱۳۷۰

ایوب بنی‌نصرت (۱۳۷۱ و ۱۳۷۲)
محمود میران (۱۳۷۳ تا ۱۳۷۶)
حمید قشنگ (۱۳۷۷، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۱)
محمود محمدی ۱۳۷۹
امین رشید لمیر (۱۳۸۰ و ۱۳۸۷)
عبدالرضا کارگر (۱۳۸۲ و ۱۳۸۳)
شاهرخ صافقانی‌زاده ۱۳۸۵
فریدین معصومی ۱۳۸۶
آرش مردانی (۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۰)
احمد میرزاپور ۱۳۹۲
پرویز هادی ۱۳۹۳

پهلوان بابی جبار صادق‌زاده (۱۳۹۱، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰)
مسابقات برگزار نشد ۱۳۹۹
احمد میرزاپور (۱۴۰۱ و ۱۴۰۴)
مصطفی طغانی (۱۴۰۳ و ۱۴۰۴)



پهلوانان صاحب بازوبند پهلوانی تا پیش از رسمی شدن مسابقات:

هلوان فیله همدانی (سده هفتم هجری)
پهلوان محمود بن ولی‌الدین خوارزمی (پوریای ولی) سده هشتم
پهلوان محمد ابوسعید (سده نهم)
پهلوان ندائی عراقی اصفهانی (سده دهم)
پهلوان بیک قمری (سده دهم)
پهلوان میرزاییکاشی (سده یازدهم)
پهلوان کبیر اصفهانی (سده دوازدهم)
پهلوان لندره دوز
پهلوان عسکری‌زیدی
پهلوان محمد مازار

صدر و قعر جدول تغییری نکرد

چهار تیم ۲۰ امتیازی در هفته دهم



محمود احمدی، خبرنگار ورزشی: هفته دهم لیگ برتر فوتبال از روز پنج‌شنبه گذشته استارت خورد و روز یک‌شنبه به پایان رسید. این هفته ۱۹ گل از خط دروازه‌ها عبور کرد و چهار تیم با امتیاز ۲۰ رتبه‌های اول تا چهارم را به خود اختصاص دادند اما به خاطر تفاضل گل بهتر پرسپولیس در صدر جدول باقی ماند و سپاهان به جایگاه دوم رسید. تراکتور با یک بازی کمتر سوم است و استقلال تهران هم جایگاه چهارم را به خود اختصاص داد. در مطلب زیر به بررسی هفته دهم مسابقات لیگ برتر پرداخته‌ایم.

پنج‌شنبه و در اولین روز هفته دهم تراکتور میرزبان صنعت نفت آبادان بود. بعد از اتفاقاتی که در هفته نهم در انزلی رخ داد و تراکتوری‌ها حاضر نشدند به خاطر اتفاقات روی سکوها بازی مقابل ملوان انزلی برگزار شود و حتی تهدید به عدم حضور در مسابقات آینده لیگ برتر کردند، در هفته دهم مقابل صنعت نفت قرار گرفتند و با سه گل تیم آبادانی را از پیش رو برداشتند. صنعت نفت که بعد از تغییر و تحولات روی نیمکت خود بازی هفته قبل را با برد شش‌گانه مسابقه را ترک کردند. ذوبی‌ها که در جایگاه پانزدهم

در ادامه و روز دوم (جمعه) هفته دهم سه مسابقه برگزار شد که در بازی اول آلو مینیوم اراک و ذوب‌آهن اصفهان راه به جایی نبردند و با مساوی صفر-صفر زمین مسابقه را ترک کردند. ذوبی‌ها که در جایگاه پانزدهم جدول قرار دارند و برای فرار از این منطقه باید بهتر از موقعیت‌های خود استفاده می‌کردند نتوانستند گلزنی کنند تا هواداران این تیم چشم به روزهای آینده داشته باشند. اراکی‌ها اما در دره ششم جدول قرار دارند و امیدوارند بتوانند با ادامه این روند در پایان مسابقات جایگاه درخوری برای خود در جدول مسابقات دست و پا کنند. در بازی دوم گل‌گهر میرزبان خیر قرار دارد اما نتوانست از امتیاز میرزبانی به خوبی استفاده کند و با یک گل مغلوب خبری‌ها شد تا در جایگاه نهم قرار بگیرد و خبر را به دره هفتم بفرستد. در بازی آخر روز دوم هفته دهم استقلال تهران به برد رفت تا مقابل چادرملوان اردکان صف‌آرایی کند. بدین‌ترین هوادار استقلال هم فکر نمی‌کرد آبی‌پوشان در این بازی امتیاز از دست بدهند اما استقلال‌ها هرچه زدند به در بسته خورد و در پایان ۹۰ دقیقه دو گل از خط دروازه‌ها عبور کرد که سهم هر تیم یک گل بود. با این تساوی استقلال در جایگاه چهارم و چادرملوان در دره دهم جدول قرار گرفت.

اما مهم‌ترین اتفاق هفته دهم در روز یک‌شنبه رخ داد؛ جایی که پرسپولیس تهران مقابل فولاد با یک گل در دقایق پایانی دومین باخت این فصل خود را کسب کرد. در اولین بازی این روز پیکان میرزبان ملوان بود و تلاش دو تیم حاصلی جز نتیجه تساوی یک-یک نداشت. این دو تیم در نیمه پایینی جدول همسایه هم هستند و پیکانی‌ها در جایگاه دوازدهم و ملوانی‌ها در جایگاه سیزدهم قرار دارند. در ادامه نساجی مازندران میرزبان فجر سپاسی بود. شیرازی‌ها که این فصل بد نتیجه نگرفته‌اند و در نیمه بالایی جدول قرار دارند اما در این بازی نتوانستند میرزبان را شکست بدهند و تلاش دو تیم در مستطیل سبز با تساوی دو-دو به پایان رسید. با این نتیجه کاتکوها در دره هفتم جدول و نساجی‌چی‌ها در دره یازدهم جدول قرار گرفتند. در بازی سوم روز پایانی این هفته سپاهان میرزبان تیم قعر جدولی مس شهریار یک بود. مسی‌ها که هفته قبل با سه گل مغلوب پرسپولیس تهران شده بودند در این مسابقه هم در دریافت چهار گل از زردپوشان زاینده‌رود خود را به عنوان کاندیدای اول سقوط معرفی کردند. سپاهان با زدن این چهار گل به رده دوم جدول رسید و شهریار یکی‌ها همچنان تنها تیم بدون برد و قعر نشین جدول هستند.

اما در ادامه پرسپولیس صدرنشین مسابقات که میرزبان فولاد بود و می‌توانست با شکست خوزستانی‌ها جایگاه خود در صدر جدول را بیش از پیش محکم‌تر کند هر چه زد به در بسته خورد. البته می‌توان گفت بازیکنان پرسپولیس از روی شکم سیری به توپ ضربه می‌زدند و انصافا در وزن ضربات نهایی دقت لازم را به کار نمی‌بستند که همین موضوع در دقایق پایانی دامن‌شان را گرفت و فولادی‌ها نتوانستند در دقیقه ۸۷ روی یک ضربه زیبا توسط وحید امیری بازیکن سابق پرسپولیس به گل برسند. امیری بعد از این گل شادی نکرد و تعصب خود به پرسپولیس را نشان داد. پرسپولیس با این باخت همچنان صدر جدول را در اختیار دارد و فولادی‌ها با این برد جایگاه پنجم را از آن خود کردند. و در آخرین بازی این هفته استقلال خوزستان میرزبان شمس‌آذر قزوین بود. خوزستانی‌ها نتوانستند با ارائه یک بازی برتر و به ثمر رساندن دو گل، کمی به وضعیت خود در جدول سرو سامان بدهند و در جایگاه چهاردهم از جمع فانوس به دستان جدا شوند. قزوینی‌ها هم که این فصل حال و روز خوبی ندارند با این شکست در جایگاه شانزدهم جدول جزو کاندیداهای سقوط قرار گرفتند.



برنامه جدید مهارگسترش پایتخت

ترمز توسعه بی‌ضابطه تهران و البرز کشیده می‌شود؟

ساخته‌شده و تغییر کاربری بخشی از اراضی کشاورزی پیرامون شهرها نیاز پيامدهای این روند بوده است. بر این اساس، برنامه جدید تنها بر محدود کردن ساخت‌وساز متمرکز نیست، بلکه بازتوزیع فعالیت‌های اقتصادی و خدماتی را نیز دنبال می‌کند؛ موضوعی که برای کاهش وابستگی شهرهای پیرامونی به پایتخت اهمیت دارد.

به گفته ساعد، جمعیت مجموعه شهری تهران و البرز بیش از ۱۶ میلیون نفر است و ظرفیت جمعیت‌پذیری پیش‌بینی‌شده در طرح‌های جامع و تفصیلی مصوب این منطقه حدود ۲۱ میلیون نفر اعلام شده است. همچنین در سال‌های اخیر ظرفیتی برای حدود ۸۰۰ هزار نفر دیگر در چارچوب نهضت ملی مسکن ایجاد شده است. این ارقام از نگاه مسئولان نشان می‌دهد که برنامه تمرکززدایی به معنای توقف ساخت‌وساز یا محدودکردن تامین مسکن نیست. با این حال، ظرفیت جمعیت‌پذیری در اسناد شهرسازی باید در کنار توان زیرساخت‌های آب، حمل‌ونقل و خدمات عمومی ارزیابی شود؛ زیرا افزایش جمعیت بدون تامین امکانات متناسب، می‌تواند مشکلات موجود را تشدید کند.

ساعد تأکید کرده که منوعیت مورد نظر برنامه، متوجه ساخت‌وساز و بارگذاری جمعیتی و فعالیتی خارج از چارچوب طرح‌های جامع و تفصیلی مصوب است. بنابراین، محور اصلی این سیاست، کنترل توسعه فراتر از ظرفیت‌های تعیین‌شده است، نه منوعیت کلی ساخت‌وساز.

کاظمیان، در نشست خبری در تشریح سیاست‌های جدید مدیریت توسعه شهری، به موضوع ساماندهی مجموعه شهری تهران و البرز و کنترل گسترش نامتوازن این محدوده پرداخت. این رویکرد با هدف مدیریت بارگذاری جمعیتی و فعالیتی، صیانت از اراضی و منابع طبیعی و کاهش فشار بر زیرساخت‌های شهری دنبال می‌شود.

پیش از آن رامین ساعد، مدیرکل دفتر طرح‌ریزی شهری و طرح‌های توسعه و عمران وزارت راه و شهرسازی نیز در تشریح این برنامه، جلوگیری از بارگذاری خارج از ظرفیت طرح‌های جامع و تفصیلی، حفاظت از اراضی زراعی و باغی، بازتوزیع برخی فعالیت‌های مستقر در تهران و مدیریت مصرف آب و انرژی را از محورهای اصلی آن برشمرد.

افزایش هزینه مسکن و کمبود زمین در تهران، بخشی از خانوارها را به شهرهای پیرامونی سوق داده است؛ با این حال، انتقال محل سکونت الزاما به معنای انتقال محل کار و دریافت خدمات نیست. در نتیجه، وابستگی ساکنان شهرهای اطراف به تهران برای اشتغال و دسترسی به خدمات، تقاضای سفر و فشار بر شبکه حمل‌ونقل را افزایش داده است. ساعد با اشاره به ایجاد این روند گفته است که سال ۱۳۷۵ تاکنون حدود ۳۵ نقطه روستایی به شهر ارتقا یافته و چند شهر جدید نیز ایجاد شده‌اند؛ با این حال، توسعه آزادانه‌ها و بزرگراه‌ها نتوانسته متناسب با رشد جمعیت و تقاضای سفر، پاسخگوی همه نیازهای منطقه باشد. گسترش محدوده‌های

برنامه تمرکززدایی از تهران و البرز با ۲۴ اقدام مشخص، کنترل ساخت‌وساز خارج از ظرفیت طرح‌های مصوب، حفاظت از اراضی کشاورزی، انتقال برخی فعالیت‌ها و مدیریت مصرف آب را هدف گرفته، برنامه‌ای که اجرای آن به چگونگی کنترل توسعه شهری و توزیع متوازن‌تر جمعیت و فعالیت وابسته است.

جمعیت مجموعه شهری تهران و البرز بیش از ۱۶ میلیون نفر است و ظرفیت جمعیت‌پذیری پیش‌بینی‌شده در طرح‌های جامع و تفصیلی مصوب این منطقه حدود ۲۱ میلیون نفر اعلام شده است. در سال‌های اخیر هم ظرفیتی برای حدود ۸۰۰ هزار نفر دیگر در چارچوب نهضت ملی مسکن ایجاد شده اما گسترش بی‌ضابطه این محدوده، بدون لحاظ ظرفیت‌های آن در سال‌های

اخیر به دغدغه مردم و کارشناسان حوزه شهری تبدیل شده است. تمرکز جمعیت، فعالیت‌های اقتصادی و خدماتی در تهران طی چند دهه گذشته، فشار بر زیرساخت‌های شهری، افزایش هزینه تامین مسکن و گسترش سکو نگاه‌ها در شهرهای پیرامونی را به یکی از مسائل اصلی مدیریت شهری تبدیل کرده است. در همین راستا، برنامه اقدام عاجل برای ساماندهی، پالایش عملکردی و تمرکززدایی از مجموعه شهری تهران و البرز در شهریور ۱۴۰۴ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری رسید؛ موضوعی که غلامرضا کاظمیان، معاون شهرسازی و معماری وزیر راه و شهرسازی، به آن اشاره کرده است.

مسئله اصلی نظام سلامت، توزیع نامتوازن پزشکان متخصص است

مهاجرت پزشکان؛ آمار ۱۰ هزار نفر چه می‌گوید؟



مینا یاری، خبرنگار گروه جامعه: مهاجرت پزشکان فقط جابه‌جایی نیروی کار از یک کشور به کشور دیگر نیست؛ خروج بخشی از سرمایه انسانی نظام سلامت است که سال‌ها برای آموزش آن هزینه شده و جایگزینی آن نیز به زمان، امکانات آموزشی و نیروی انسانی متخصص نیاز دارد. در چنین شرایطی، انتشار خبر مهاجرت بیش از ۱۰ هزار فارغ‌التحصیل دانشگاه علوم پزشکی تهران بار دیگران پرسش را پیش کشیده است که چه تعداد از پزشکان کشور را ترک می‌کنند، چرا تصمیم به رفتن می‌گیرند و ادامه این روند چه پیامدی برای دسترسی مردم به خدمات درمانی خواهد داشت؟

چندی پیش سیدمنصور گتمیری، رئیس دفتر ارتباط با دانش‌آموزان دانشگاه علوم پزشکی تهران، از مهاجرت بیش از ۱۰ هزار فارغ‌التحصیل این دانشگاه به خارج از کشور طی سال‌های مختلف خبر داد. به گفته او، بیشتر این افراد در رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی تحصیل کرده‌اند و آمریکا و کشورهای اروپای غربی از مقصدهای اصلی آنان بوده‌اند. گتمیری در توضیح این برآورد، به سابقه طولانی فعالیت دانشگاه و شمار بالای دانش‌آموزان آن اشاره کرده است. او همچنین تأکید کرده است که آمار دقیق و رسمی مهاجرت را در اختیار ندارد و رقم

محمد رئیس‌زاده، رئیس سازمان نظام پزشکی، در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه

«آگاه» در خصوص آمار مهاجرت ۱۰ هزار فارغ‌التحصیل دانشگاه علوم پزشکی تهران و روشن شدن تفاوت میان درخواست مدارک مهاجرتی و

خروج واقعی پزشکان از کشور توضیحاتی را ارائه کرد.

■ **خبر مهاجرت ۱۰ هزار فارغ‌التحصیل دانشگاه علوم پزشکی تهران منتشر شده، آیا این آمار را تأیید می‌کنید؟**

عدد ۱۰ هزار نفر، عدد مربوط به یک سال نیست و احتمالاً به بازه زمانی طولانی‌تری مربوط می‌شود. آماری که ما در سازمان نظام پزشکی در اختیار داریم، براساس درخواست صدور گواهی گوداستندینگ است. این گواهی درواقع گواهی حسن شهرت حرفه‌ای است و افرادی که می‌خواهند در کشور دیگری در رشته پزشکی فعالیت کنند، برای طی مراحل مربوط به اشتغال حرفه‌ای خود به آن نیاز دارند. البته درخواست گوداستندینگ الزاماً به معنای مهاجرت نیست. ممکن است فرد این گواهی را دریافت کند، اما در نهایت مهاجرت نکند، یا به کشور دیگری برود و پس از مدتی بازگردد. بنابراین، آمار درخواست‌های گوداستندینگ را نمی‌توان دقیقاً معادل آمار افرادی دانست

اعلام شده، برآوردی اولیه است.

این توضیح، اهمیت تفکیک میان «برآورد» و «آمار رسمی» را نشان می‌دهد. عدد ۱۰ هزار نفر به مهاجرت دانش‌آموزان یک دانشگاه طی سال‌های مختلف اشاره دارد، نه لزوماً خروج آنان در یک سال مشخص. با این حال، تا زمانی که روش محاسبه، بازه زمانی دقیق و شیوه شناسایی افراد مهاجرت‌کرده روشن نباشد، نمی‌توان این رقم را به تنهایی مبنای قضاوت قطعی درباره ابعاد مهاجرت پزشکان قرار داد.

مهاجرت: فقط یک عدد نیست

مسئله مهاجرت دانش‌آموزان علوم پزشکی را نمی‌توان صرفاً با شمار افرادی که کشور را ترک کرده‌اند، سنجید. رشته تحصیلی، زمان مهاجرت، مقصد، نوع فعالیت

کاهش ۱۸ درصدی درخواست‌های مهاجرت پزشکان

تخصص و مقصد تحلیل می‌کنیم و در اختیار مسئولان قرار می‌دهیم. البته این اطلاعات به‌صورت محرمانه ارسال می‌شود.

مهم‌ترین دلایل مهاجرت اعضای جامعه پزشکی چیست؟

ما در این زمینه هم بررسی‌های پژوهشی انجام داده‌ایم و هم شرایط رشته‌های مختلف و وضعیت مهاجرت آنها را با یکدیگر مقایسه کرده‌ایم. براساس این بررسی‌ها، سه عامل اصلی قابل طرح است. عامل نخست، موضوع تکریم و شان جامعه پزشکی است. عامل دوم، مسائل اقتصادی و درآمدی است و عامل سوم، مسائل شخصی و خانوادگی. البته انگیزه‌های شخصی از گذشته وجود داشته و در همه کشورهای دنیا هم دیده می‌شود. ممکن است فردی به دلیل تمایل خانواده، شرایط زندگی یا ترجیحات شخصی خود تصمیم به مهاجرت بگیرد. این موضوع به‌خودی‌خود پدیده‌ای غیرعادی نیست، حتی اگر شرایط یک کشور مناسب باشد، باز هم ممکن است عده‌ای به دلایل شخصی مهاجرت را انتخاب کنند.

■ **کدام رشته‌ها بیشترین درخواست گوداستندینگ را دارند؟**
در بررسی‌های امسال، تعداد پزشکان عمومی متقاضی تقریباً با مجموع متخصصان و فوق تخصص‌ها قابل مقایسه بود.

که از کشور مهاجرت کرده‌اند.

روند درخواست‌های مهاجرت در سال‌های اخیر چگونه بوده است؟

مهاجرت یک پدیده جهانی است و در همه کشورها وجود دارد. در کشور ما هم از گذشته بوده و در سال‌های مختلف فراز و نشیب داشته است. در فاصله سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲، شیب افزایشی درخواست‌های گوداستندینگ نگران‌کننده بود. ما این آمارها را به صورت دقیق بررسی کردیم؛ از جمله اینکه متقاضیان در چه رشته‌هایی فعالیت داشته‌اند، چه تخصص‌هایی داشته‌اند و مقصد آنها کدام کشورها بوده است. نتایج این بررسی‌ها را نیز در اختیار مسئولان کشور قرار دادیم. در سال ۱۴۰۳، با اقداماتی که از سوی بخش‌های مختلف انجام شد و البته با توجه به اینکه عوامل متعددی در این روند مؤثرند، شاهد کاهش ۱۸ درصدی درخواست‌های گوداستندینگ بودیم. این کاهش اتفاق مثبتی بود. در سال ۱۴۰۴، با وجود اینکه سال جنگ بود، تعداد درخواست‌ها نسبت به سال ۱۴۰۳ مقداری افزایش پیدا کرد؛ اما همچنان از میزان ثبت‌شده در سال ۱۴۰۲ کمتر بود. تأکید می‌کنم که این آمار مربوط به درخواست گوداستندینگ است، نه تعداد قطعی پزشکانی که از کشور خارج شده‌اند. ما این آمارها را هر سال بررسی و براساس رشته،

بارندگی‌های بیش از نرمال در پاییز و زمستان امسال

آیا سدهای تهران برای النینو آماده هستند؟

نصف است. وی با اشاره به وضعیت سد لارافرود، حجم مخزن این سد ۹۲۰ میلیون مترمکعب است و در زمان انجام این مصاحبه، حدود چهار تا پنج درصد آن آب داشت. معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای تهران با بیان اینکه سدهای استان از ظرفیت ذخیره‌سازی بالایی برخوردارند، درباره نحوه مدیریت مخازن در درمدت مشابه سال گذشته ۱۰ میلیون مترمکعب و میانگین بلندمدت آن ۴۲ میلیون مترمکعب بوده است. بنابراین، با وجود افزایش ۱۱ میلیون مترمکعبی ذخایر نسبت به سال گذشته، این سد همچنان ۲۱ میلیون مترمکعب کمتر از میانگین بلندمدت آب دارد.

آیا بارندگی‌های بیشتر به معنای پر شدن سدهاست؟

اظهارات معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای تهران نشان می‌دهد که افزایش بارندگی به تنهایی به معنای پر شدن مخازن یا رفع کمبود ذخایر آبی نیست و میزان ورودی واقعی آب به سدها، درکنار ظرفیت مخازن و نحوه مدیریت خروجی، در تعیین میزان ذخیره‌سازی مؤثر خواهد بود. در عین حال، وجود ظرفیت خالی در مخازن می‌تواند امکان ذخیره بخشی از روان‌آب‌های ورودی را فراهم کند؛ هرچند میزان بهره‌برداری از این ظرفیت به توزیع زمانی و مکانی بارش‌ها، شدت و تداوم بارندگی و میزان ورودی به هر سد بستگی دارد.

آخرین وضعیت ذخایر سدهای تهران

بر اساس آمار دریافتی از آب منطقه‌ای تهران حجم مخازن سدهای تحت پوشش شرکت آب منطقه‌ای تهران در اوال آبان ۱۴۰۵، مجموع ذخایر پنج سد امیرکبیر، لتیان، لار، طالقان و ماملو به ۳۵۹ میلیون مترمکعب رسیده است. این رقم در مدت مشابه سال گذشته ۲۱۷ میلیون مترمکعب و میانگین بلندمدت ذخایر این سدها ۵۴۸ میلیون مترمکعب بوده است. به این ترتیب، مجموع ذخایر سدهای مورد بررسی نسبت به سال گذشته ۱۴۲ میلیون مترمکعب افزایش یافته، اما همچنان ۱۸۹ میلیون مترمکعب پایین‌تر از میانگین بلندمدت قرار دارد.

بررسی جزئیات آمار نشان می‌دهد سد امیرکبیر با ذخیره ۱۲۳ میلیون مترمکعبی، در مقایسه با ۱۷ میلیون مترمکعب در سال گذشته و میانگین بلندمدت ۱۰۳ میلیون

فرد در کشور مقصد و امکان بازگشت. از جمله متغیرهایی هستند که می‌توانند تصویر دقیق‌تری از این روند ارائه دهند.

مهاجرت دانش‌آموزان پس از پایان دوره‌های دانشگاهی بیشتر مشاهده می‌شود و بخشی از فارغ‌التحصیلان، به‌ویژه در رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی، برای ادامه تحصیل یا فعالیت حرفه‌ای به خارج از کشور می‌روند. به گفته رئیس دفتر ارتباط با دانش‌آموزان دانشگاه علوم پزشکی تهران، کاهش سرعت مهاجرت در سال‌های اخیر نیز لزوماً به معنای افزایش تمایل به ماندن در کشور نیست و سخت‌گیری بیشتر کشورهای مقصد در پذیرش نیروهای متخصص می‌تواند در این روند نقش داشته باشد.

هزینه تربیت نیرو و شرایط ماندگاری

تربیت پزشک و نیروی متخصص، سال‌ها آموزش و صرف منابع مالی و انسانی را دربر می‌گیرد. از همین رو، مهاجرت فارغ‌التحصیلان تنها موضوعی مرتبط با تصمیم فردی نیست و می‌تواند بر بازده سرمایه‌گذاری آموزشی نیز اثر بگذارد. البته این مسئله به معنای نادیده گرفتن حق افراد برای انتخاب محل زندگی و کار نیست؛ پرسش اصلی این است که چه شرایطی می‌تواند امکان فعالیت حرفه‌ای و زندگی مطلوب را در داخل کشور فراهم کند.

نقش شرایط رفاهی، فرصت‌های علمی و حرفه‌ای در تصمیم دانش‌آموزان برای ماندن یا مهاجرت نقش دارد. به باور او، افزایش جذابیت‌های داخل کشور می‌تواند انگیزه بازگشت را نیز تقویت کند. بنابراین، سیاست حفظ نیروی متخصص صرفاً با افزایش ظرفیت آموزش یا تربیت تعداد بیشتری دانشجو محقق نمی‌شود؛ کیفیت فرصت‌های شغلی، امکان پیشرفت علمی و شرایط زندگی نیز در این معادله اهمیت دارند.

در کنار مهاجرت، توزیع نیروی پزشکی در داخل کشور نیز مسئله‌ای مهم است. تعداد پزشکان در سطح ملی لزوماً نشان نمی‌دهد که مردم همه استان‌ها و مناطق به یک اندازه به خدمات پزشکی دسترسی دارند. تمرکز نیروهای متخصص در شهرهای بزرگ می‌تواند هم‌زمان با دشواری دسترسی در مناطق دیگر وجود داشته باشد؛ از این رو، بررسی وضعیت نیروی پزشکی باید هم مهاجرت و هم توزیع جغرافیایی آن را دربرگیرد. در نهایت، ادعای مهاجرت بیش از ۱۰ هزار دانش‌آموزته دانشگاه علوم پزشکی تهران، تا زمانی که مبنای محاسبه و جزئیات آماری آن روشن نشود، باید در چارچوب یک برآورد اولیه بررسی شود. در عین حال، اختلاف برسر این عدد نباید اصل پرسش را کنار بگذارد؛ چه عواملی پزشکان و دیگر نیروهای متخصص را به رفتن ترغیب می‌کند و چگونه می‌توان شرایط ماندن، فعالیت حرفه‌ای و بازگشت آنان را بهبود داد؟ پاسخ به این پرسش‌ها به داده‌های شفاف و قابل مقایسه و سیاست‌های ناپذیر دارد که فراتر از شمارش افراد، به دلایل تصمیم‌آنان نیز توجه کند.

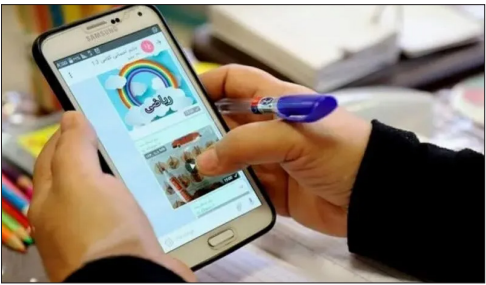
در میان رشته‌های تخصصی، بیشترین درخواست‌ها مربوط به بیوهوشی بود. پس از آن، روان پزشکی، جراحی عمومی و تخصص کودکان قرار داشتند.

مهم‌ترین دلایل مهاجرت اعضای جامعه پزشکی چیست؟

ما در این زمینه هم بررسی‌های پژوهشی انجام داده‌ایم و هم شرایط رشته‌های مختلف و وضعیت مهاجرت آنها را با یکدیگر مقایسه کرده‌ایم. براساس این بررسی‌ها، سه عامل اصلی قابل طرح است. عامل نخست، موضوع تکریم و شان جامعه پزشکی است. عامل دوم، مسائل اقتصادی و درآمدی است و عامل سوم، مسائل شخصی و خانوادگی. البته انگیزه‌های شخصی از گذشته وجود داشته و در همه کشورهای دنیا هم دیده می‌شود. ممکن است فردی به دلیل تمایل خانواده، شرایط زندگی یا ترجیحات شخصی خود تصمیم به مهاجرت بگیرد. این موضوع به‌خودی‌خود پدیده‌ای غیرعادی نیست، حتی اگر شرایط یک کشور مناسب باشد، باز هم ممکن است عده‌ای به دلایل شخصی مهاجرت را انتخاب کنند.

■ **کدام رشته‌ها بیشترین درخواست گوداستندینگ را دارند؟**
در بررسی‌های امسال، تعداد پزشکان عمومی متقاضی تقریباً با مجموع متخصصان و فوق تخصص‌ها قابل مقایسه بود. در بررسی‌های امسال، تعداد پزشکان عمومی متقاضی تقریباً با مجموع متخصصان و فوق تخصص‌ها قابل مقایسه بود.

موبایل در مدارس آزاد می‌شود؟



مدیر کمیسیون اساسنامه‌ها و مقررات تحصیلی شورای عالی آموزش و پرورش با تأکید بر اینکه بازنگری آیین‌نامه اجرایی مدارس به معنای آزاد شدن استفاده از تلفن همراه نیست، گفت: در ضوابط جدید، بر مدیریت هوشمندانه و مسئولانه استفاده از ابزارهای ارتباطی و فضای مجازی در راستای اهداف آموزشی و تربیتی تأکید شده است.

به گزارش «آگاه» مهدی خراشادی‌زاده با اشاره به موضوع استفاده از تلفن همراه در مدارس گفت، موضوعی که در بازنگری آیین‌نامه اجرایی مدارس مورد توجه قرار گرفته، مدیریت هوشمندانه و مسئولانه نحوه استفاده از تلفن همراه است بنابراین نباید این موضوع را به معنای آزاد شدن استفاده از موبایل در مدارس تلقی کرد.

وی با بیان اینکه استفاده از ابزارهای ارتباطی و فناوری‌های نوین از قبل نیز در آیین‌نامه مدارس مورد توجه بوده است، افزود، در ضوابط قبلی نیز مدیر مدرسه موظف بود زمینه استفاده از وسایل ارتباطی و فضای مجازی را برای آموزش و تربیت دانش‌آموزان، در چارچوب ضوابط، فراهم کند چراکه فناوری به خودی‌خود مضر نیست و ابزارهایی مانند تبلت و تلفن همراه می‌توانند در صورت استفاده صحیح، به فرآیند آموزش کمک کنند.

مدیر کمیسیون اساسنامه‌ها و مقررات تحصیلی شورای عالی آموزش و پرورش ادامه داد: در بازنگری جدید، این موضوع با تأکید بیشتری بر مسئولیت‌پذیری و استفاده هوشمندانه مورد توجه قرار گرفته است. خراشادی‌زاده با اشاره به نقش شورای عالی آموزش و پرورش در سیاست‌گذاری‌های کلان این وزارتخانه گفت، هنگامی که وزارت آموزش و پرورش قصد دارد مقرره‌ای را برای اجرا در مدارس تدوین کند، موضوع در شورای عالی آموزش و پرورش بررسی می‌شود و متناسب با ماهیت آن، به کمیسیون تخصصی مربوط ارجاع داده می‌شود.

وی افزود، شورای عالی آموزش و پرورش هشت کمیسیون دارد و موضوعاتی مانند آیین‌نامه‌های آموزشی، ارزشیابی و تربیتی در کمیسیون اساسنامه‌ها و مقررات تحصیلی بررسی می‌شود.

مدیر کمیسیون اساسنامه‌ها و مقررات تحصیلی شورای عالی آموزش و پرورش با اشاره به مشارکت نمایندگان مدارس در بررسی مقررات اظهار کرد: در این کمیسیون، نمایندگانی از هر سه دوره تحصیلی شامل ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم حضور دارند.

همچنین متناسب با موضوع مورد بررسی، امکان دعوت از صاحب‌نظران برای حضور در جلسات و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها با حق رأی وجود دارد.

خراشادی‌زاده با بیان اینکه بازنگری آیین‌نامه طی جلسات کارشناسی متعدد انجام شده است، گفت: پیش از بررسی موضوع در کمیسیون، بیش از ۴۰ جلسه کارشناسی برای بازنگری آیین‌نامه برگزار شده است. وی تأکید کرد، آیین‌نامه بازنگری‌شده هنوز ابلاغ نشده است و مطالب مطرح شده باید با توجه به همین موضوع مورد توجه قرار گیرد. استفاده از تلفن همراه نیز موضوع تازه‌ای در مقررات مدارس نیست و در آیین‌نامه‌ای که اکنون در حال ارجاست، به این موضوع پرداخته شده است.

احداث نیروگاه‌های خورشیدی در ۱۲۰۰ مدرسه پایتخت



مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان تهران از احداث نیروگاه‌های خورشیدی با ظرفیت ۶ مگاوات در ۱۲۰۰ مدرسه این استان خبر داد و گفت: در این طرح، تجهیزات اصلی تأمین و نصب پنل‌ها با تأمین اعتبار و حمایت استانداری و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی صورت گرفت. عباس زارع در گفت‌وگو با «ایسنا» با اشاره به اجرای طرح نصب پنل‌های خورشیدی در مدارس استان گفت: این طرح با برنامه‌ریزی استاندارد تهران در ۱۲۰۰ مدرسه به اجرا درآمد و در تأمین تجهیزات اصلی آن، شرکت ساتبا همکاری و مساعدت کرد. وی با بیان اینکه تجهیزات اصلی از جمله پنل‌های خورشیدی، اینورتر و استراکچر با کمک شرکت مذکور تأمین شد، افزود، اداره کل نوسازی مدارس ا اجرا، عوامل مانند وضعیت پشت‌بام، سایه‌اندازی نصب نیروگاه‌ها نیز با حمایت استاندارد و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تأمین شد.

مدیرکل نوسازی مدارس استان تهران با اشاره به ظرفیت تولید برق این نیروگاه‌ها گفت: در هر یک از ۱۲۰۰ مدرسه، پنل خورشیدی با ظرفیت پنج کیلووات نصب شده که در مجموع، ظرفیت تولید برق مدارس استان تهران را به حدود ۶ مگاوات می‌رساند. زارع با اشاره به ملاحظات فنی اجرای این طرح گفت، امکان نصب پنل‌ها در همه مدارس وجود نداشت و برای انتخاب محل اجرا، عوامل مانند وضعیت پشت‌بام، سایه‌اندازی و استحکام سازه ساختمان باید مورد توجه قرار می‌گرفت؛ چراکه وجود سایه روی پنل‌ها می‌تواند بر عملکرد آنها اثر بگذارد.

وی افزود، وزن تجهیزات نصب‌شده نیز از ملاحظات مهم این پروژه بود و با توجه به وزن ضرورت ست تن مجموعه تجهیزات، اولویت اجرای طرح به مدارس نوساز اختصاص یافت تا شرایط سازه‌ای ساختمان برای تحمل بار تجهیزات بررسی شود. همچنین در پروژه‌های جدید احداث مدارس، نصب پنل‌های خورشیدی به عنوان یکی از اقدامات مورد توجه قرار گرفته است. وی با اشاره به ضرورت طی مراحل اداری برای بهره‌برداری از نیروگاه‌ها افزود: پس از تحویل پنل‌ها به آموزش و پرورش، مدیران مدارس باید اقدامات لازم را در سامانه مهربان انجام دهند تا مراحل مورد انتظار شرکت توزیع نیروی برق برای اتصال سامانه‌ها به شبکه و ورود آنها به مدار تکمیل شود.

مدیرکل نوسازی مدارس استان تهران اظهار کرد: بهره‌برداری کامل از ظرفیت ایجادشده، علاوه بر نصب تجهیزات، مستلزم انجام مراحل ثبت و پیگیری در سامانه مربوطه از سوی مدیران مدارس است.



کاغذی

تیم ملی کتاب‌خوانی

جمهوری چک تیم ملی تازه‌ای معرفی کرده که هرکسی می‌تواند عضو شود؛ تیم ملی کتاب‌خوانی! انجمن ناشران و کتاب‌فروشان چک چند ماه پیش پویش «برای تیم ملی بخوان» را راه انداخت تا کسانی را که کمتر کتاب می‌خوانند به مطالعه تشویق کند.
در این تیم ملی، تعداد کتاب‌های خوانده شده ملاک نیست؛ برای شروع کافی است روزی یک صفحه بخوانید. هدف این است که کتاب‌خوانی هم مثل ورزش به عادت‌ی منظم، لذت‌بخش و جمعی تبدیل شود.
درب‌سایت این پویش (https://www.ctizanarodak.cz/).، آزمونی برای شناخت نوع کتاب‌خوان، برنامه تمرینی مطالعه و ابزارهای تبلیغاتی برای مدارس و کتابخانه‌ها فراهم شده است.
هزینه اجرای این پویش را ناشران می‌پردازند و کتابخانه‌ها و نهادهای آموزشی به گسترش آن کمک می‌کنند.
دراین پویش، هیچ ناشریا کتاب خاصی تبلیغ نمی‌شود. ناشران چک به‌جای تبلیغ کتاب‌های خود و رقابت برای فروش، دست به دست هم داده‌اند تا مردم بیشتری به جمع کتاب‌خوان‌ها بپیوندند.

توصیه‌های اورژانس برای حفظ آرامش و سلامت روان

سخنگوی اورژانس استان تهران با تاکید بر ضرورت مراقبت از سلامت روان در روزهای پراسترس، بر مدیریت پیگیری اخبار، پرهیز از انتشار شایعات و توجه به آرامش کودکان و اعضای خانواده تاکید کرد.
شروین تبریزی، در گفت‌وگو با خبرنگار «مهر» با اشاره به اهمیت حفظ آرامش روانی در این دوره‌ای که حجم اخبار و اطلاعات نگران‌کننده افزایش می‌یابد، اظهار کرد: در چنین شرایطی، احساس اضطراب، نگرانی و بی‌قراری می‌تواند بر آرامش و عملکرد روزمره افراد تاثیر بگذارد؛ از این‌رو، توجه به سلامت روان و مدیریت استرس اهمیت ویژه‌ای دارد.
وی با توصیه به شهروندان برای مدیریت پیگیری اخبار افزود، دنبال کردن مداوم اخبار نگران‌کننده ممکن است موجب افزایش اضطراب شود؛ بنابراین بهتر است افراد در زمان‌های مشخص و از منابع معتبر اخبار را دنبال کنند و از باز نشر اطلاعات تایید نشده بپرهیزند.
تبریزی با تاکید بر ضرورت توجه به وضعیت روانی کودکان بیان کرد: والدین باید متناسب با سن کودکان و با لحنی آرام با آنها گفت‌وگو کنند و تا حد امکان اقرار گرفتن آنها در معرض تصاویر و اخبار نگران‌کننده جلوگیری کنند.
سخنگوی اورژانس استان تهران ادامه داد: حفظ ارتباط با اعضای خانواده و افراد مورد اعتماد، گفت‌وگو درباره نگرانی‌ها و ایجاد فضای امن در محیط خانه می‌تواند به کاهش فشار روانی و تقویت احساس امنیت کمک کند.
وی همچنین خواب کافی، تغذیه مناسب، نوشیدن آب و اختصاص زمانی به فعالیت‌های آرام‌بخش را از جمله اقداماتی دانست که می‌تواند در حفظ سلامت جسم و روان موثر باشد.
تبریزی خاطرنشان کرد، چنانچه اضطراب و بی‌قراری به صورت مستمر ادامه پیدا کند و خواب یا فعالیت‌های روزمره افراد را به‌طور جدی مختل کند، لازم است برای دریافت کمک تخصصی به متخصصان سلامت روان مراجعه کنند.
وی در پایان با تاکید بر اهمیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی در شرایط پراسترس گفت: حفظ آرامش، خودداری از انتشار شایعات و توجه به وضعیت روانی اطرافیان، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به مدیریت بهتر شرایط و تقویت آرامش در خانواده و جامعه کمک کند.



آب و هوا



هشدار نارنجی برای ۶ استان سامانه بارشی در راه ایران

سازمان هواشناسی برای ۶ استان هشدار سطح نارنجی بارندگی و رعدوبرق طی امروز و فردا صادر کرد.
بر اساس نقشه های هم‌بندی و آینده نگری سازمان هواشناسی امروز سه‌شنبه از میزان بارندگی در استان‌های واقع در نوار شمالی کشور کاسته می‌شود و بارش‌ها در مناطق جنوب شرق افزایش می‌یابد، همچنین در سواحل دریای خزر کاهش نسبی دما پیش‌بینی می‌شود.
چهارشنبه در سیستان و بلوچستان و جنوب کرمان رگبار و رعدوبرق رخ می‌دهد. در دامنه‌های جنوبی البرز و نوار شرقی کشور نیز افزایش سرعت وزش باد و کاهش نسبی دما انتظار می‌رود. همچنین بعدازظهر در استان‌های مرزی غرب و جنوب غرب، شمال غرب و غرب سواحل دریای خزر، افزایش بار و رگبار پراکنده پیش‌بینی می‌شود.
پنج‌شنبه با ورود سامانه بارشی به غرب کشور در سراسر نوار غربی، دامنه‌های جنوبی البرز در استان‌های قزوین، البرز و تهران و غرب سواحل دریای خزر، افزایش ابر، رگبار و رعدوبرق و وزش باد شدید پیش‌بینی می‌شود. در ارتفاعات نیز بارش برف دور از انتظار نیست. این شرایط جوی روز جمعه در مناطق مذکور ادامه خواهد داشت.

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر	
مدیرمسئول: محمد مهدی رحمتی	
سردبیر: امیر اسماعیلی	
دبیر تحریریه: رضا ظریفی	
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب	
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه	
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ	
	خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان این سینا
	۰۲۱ – ۹۲۰۰۴۷۱۶ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۱۳
	www.Agaah.ir m@agaah.ir agaah – ir



برداشت آلوبخارا در روستای شوقان جاجریم

کشاورزان روستاهای شوقان و دوبرجه از توابع شهرستان جاجریم، این روزها مشغول برداشت و خشک کردن آلوی بخارا به شیوه سنتی هستند. این محصول با خشک شدن در آفتاب پاییزی، به دلیل کیفیت و طعم مطلوب، در خراسان شمالی شناخته شده و نام شوقان با آلوی بخارای مرغوب پیوند خورده است.

عکس: مریم داورنیا / مهر

هوش مصنوعی نابینایان را کلافه می‌کند!

هوش مصنوعی می‌تواند تصاویر را توصیف کند، اما هنوز در درک نیازهای کاربران نابینا مشکل دارد. پژوهشی از دانشگاه مریلند نشان می‌دهد قابلیت BeMyAI اغلب پاسخ‌های مفید را در میان توصیف‌های طولانی پنهان می‌کند و باعث می‌شود کاربران نابینا برای دسترسی به آن اطلاعات مورد نیاز تلاش بیشتری کنند. به نقل از دیجیتال‌ترندز، هوش مصنوعی می‌تواند یک تصویر را توصیف کند، اشیای موجود در آن را شناسایی کند و پرسش‌هایی که در پاسخ می‌پسند، پاسخ دهد. اما وقتی یک کاربر نابینا به پاسخی سریع نیاز دارد، دریافت یک متن طولانی و مفصل درباره تمام صفحه، چندان کمک‌کننده نیست. پژوهشگران دانشگاه مریلند (UMD) دریافت‌اند که ابزارهای کمک‌بینایی مبتنی بر هوش مصنوعی ممکن است کاربران نابینا را مجبور کنند برای به دست آوردن اطلاعاتی که واقعاً به آن نیاز دارند، بیش از اندازه تلاش کنند. پژوهشگران دریافتند کاربران اغلب توضیحات طولانی دریافت می‌کنند که به اندازه کافی به هدف فوری آنها پاسخ نمی‌دهد. در نتیجه، کاربران ناچار می‌شوند پرسش‌های تکمیلی مطرح کنند یا راه‌هایی پیدا کنند

 سبک زندگی	
--	--

هشت خاصیت شگفت‌انگیز جوانه نخود و طرز تهیه

جوانه‌ها منبع فراوانی از ویتامین‌ها و املاح معدنی هستند که طی فرآیند جوانه زدن از دانه‌ها تولید می‌شوند و ارزش غذایی آنها بالاست. به نقل از ایسکانیوز، برای به دست آوردن زیبایی به جای مصرف انواع داروهای مکمل و آمپول‌های تزویتی از عناصر موجود در طبیعت استفاده کنید و با صرف اندکی وقت و حوصله بدن خود را در مقابل بیماری‌ها بیمه کنید. یکی از مفیدترین خوراکی‌ها برای رشد و سلامت بدن مصرف انواع جوانه‌ها است که از بهترین آنها می‌توان جوانه نخود را نام برد. نخود و نخود سبز هر دو از یک خانواده هستند اما خواص درمانی متفاوتی دارند که مصرف هر دو نوع آنها برای سلامت بدن بسیار مفید است. از جمله خواص منحصر به فرد جوانه نخود می‌توان موارد زیر را نام برد:

۱. پیشگیری از سرطان

جوانه نخود منبع غنی از سه ماده مفید فولات، انواع آنتی اکسیدان و بتاکاروتن برای سلامتی است که از میان آنها فولات تولید، حفظ سلول‌ها و محافظت در برابر آسیب به DNA کمک کند فراوان می‌کند. آنتی اکسیدان‌ها برای مبارزه با رادیکال‌های آزاد به بدن کمک می‌کنند که وجود این عناصر خطرناک در بدن، معمولاً خطر ابتلا به سرطان را افزایش می‌دهد، بتاکاروتن نیز باعث پیشگیری از ابتلا به سرطان می‌شود.

۲. دنیایی از ویتامین و مواد معدنی خوشمزه و مفید

جوانه نخود حاوی ویتامین A و C، D، K است و می‌تواند تا درصد بالایی نیاز بدن به انواع ویتامین‌ها را مورد نیاز را برطرف کند، از این‌رو کارشناسان مصرف یک فنجان جوانه نخود را به صورت روزانه توصیه می‌کنند.

۳. خواص ضد التهابی نخود محافظ شما در برابر انواع بیماری‌ها

جوانه نخود سرشار از انواع آنتی اکسیدان‌ها و مواد مغذی گیاهی است که این خوراکی‌ها مورد نیاز بدن برای کنترل التهاب‌های پیچیده و حتی مرگبار است. نوعی التهاب در بدن باعث می‌شود تا افراد دچار آکنه و مشکلات پوستی شوند و مصرف نخود به دلیل دارا بودن آنتی اکسیدان‌ها و خواص التهابی می‌تواند آکنه را در مبتلایان بهبود بخشد.

۴. دیابت را با جوانه نخود به زانو درآورید

در حالی که در بسیاری از مطالعات به مزایای نخود و نخود سبز برای کنترل دیابت در مبتلایان اشاره شده است. تحقیقات جدید هم نشان داده‌است که جوانه نخود هم می‌تواند یک منبع عالی و مفید برای کنترل قند خون و تنظیم آن به ویژه در مبتلایان به این بیماری باشد. جوانه نخود دارای مواد مغذی فراوانی است که می‌تواند به حفظ سطح قند خون کمک کند و برای مبتلایان به هر دو نوع دیابت نوع یک و نوع دو مفید است و مصرف آن در رژیم غذایی این مبتلایان توصیه می‌شود.

۵. سلامت قلب را با خوردن این دانه مقوی تجربه کنید

تحقیقات گسترده‌ای در زمینه مصرف گیاهان با سلامت قلب انجام شده است و کارشناسان اعتقاد دارند گیاهان سبزی‌باعث کاهش التهاب و تقویت سیستم ایمنی بدن می‌شود. وجود سطح بالایی از آنتی اکسیدان‌ها و مواد مغذی در گیاهان به ویژه جوانه نخود دارای طیف گسترده‌ای از فواید برای قلب و عروق است. خواص ضد التهابی و وجود آنتی اکسیدان‌ها در جوانه نخود به تنهایی عاملی محافظتی

در برابر بیماری‌های قلبی است و کارشناسان مصرف آن را به افراد توصیه می‌کنند.

۶. کاهش وزن با این جوانه معجزه‌بخش

جوانه نخود یک ماده مغذی فوق‌العاده کم‌کالری است و با ارائه مقادیر بالایی از فیبر در رژیم غذایی، کمک می‌کند که وزن بدن کنترل و سوخت و ساز بدن تنظیم شود، مفید بودن مصرف جوانه نخود باعث می‌شود تا از آن به عنوان یک ماده خوراکی مطلوب در بسیاری از رژیم‌های لاغری و کاهش وزن استفاده شود.

۷. جوانه نخود پروتئین بالایی دارد

این جوانه پروتئین زیادی داشته و در مقایسه با دانه آن نرم‌تر و قابل هضم‌تر است. بسیار انرژی‌زا بوده و سرشار از فسفر، کلسیم، آهن و ویتامین‌های گروه E و است و میزان مواد معدنی آن پنج برابر دانه نخود است.

۸. مناسب برای دستگاه گوارش

در ضمن به دلیل آنکه جوانه‌ها خاصیت نفخ‌زایی خود را از دست داده و از حساسیت‌زایی پروتئین آن کاسته شده است، مصرف آن برای کسانی که دستگاه گوارش حساسی دارند، بی‌ضرر است.

طرز تهیه جوانه نخود

قبل از شروع تهیه جوانه نخود این چند نکته را به خاطر بسپارید:
نخودهای بزرگ‌تر در دمای پایین‌تر، بهتر جوانه می‌زنند.
از جایی که ممکن است دمای حیوانات را بین ۷۰ – ۶۸ فارنهایت (۲۲ – ۲۰ درجه سلسیوس) نگه دارید.
نخودهای بزرگ‌تر زمان بیشتری باید در آب خیسانده شوند و باید بیشتر آب آنها عوض شود، به خصوص در دماهای بالا.
نخودهای بزرگ‌تر ممکن است در زمان آب‌کشی هوای کافی دریافت نکنند. مطمئن شوید که نخودها در طول زمان آب‌کشی، در فواصل مختلف هوای کافی دریافت کنند و تهویه شوند. اگر پوست نخود شل شد یا جدا شد، طبیعی است. چه پوست را خارج کنید یا بگذارید در ظرف بماند، تأثیری بر طعم نمی‌گذارد.
جوانه نخود قبل از مصرف حتماً باید پخته شود.

۱.۲ تا ۳.۴ فنجان نخود را بشویید و هر گروته سنگ و نخود نصف شده را خارج کنید.
آنها را در شیشه نیم لیتری بریزید. دو تا سه فنجان آب اضافه کنید، شیشه را تا یک سوم پر کنید، تا سطح نخود را بپوشانند. حداقل هشت ساعت اجازه دهید تا نخودها خیس بخورند یا از شب قبل بگذارید تا آماده شود. آب نخود را خارج کرده و بشویید.

نخودها را در کاسه‌ای ریخته و اجازه دهید تا هوای آن تهویه شود. برای اینکه جوانه تمیز و سالمی داشته باشید لازم است در فاصله سه تا چهار روزه که آنها را در آب خیس کرده‌اید، روزی دو مرتبه نسبت به تعویض آب آنها اقدام و به خوبی آب‌کشی کنید.

روزانه جوانه‌ها به – نه خود نخود – را مره کنید؛ به عوض کردن آب ادامه دهید تا زمانی که اندازه جوانه‌ها به حد و طعم مناسب برسد. در اثر این کار روری نخودها جوانه‌هایی به طول دو تا سه سانتیمتر رشد می‌کند که آنگاه می‌توانید آنها را به همراه غذا و سالا به صورت پخته مصرف کنید و از خواص درمانی منحصر به فرد آن بهره‌مند شوید.
نخودها قبل از پخت چندین ساعت بخیشکانید یا در ظرف بسته قرار دهید.
جوانه‌های نخود را می‌توانید تا یک هفته در یخچال نگهداری کنید.



تجربه کردم

گاهی کاری رو به کسی. مسئولیت پذیری. می‌سپیریم که کمکی به خودمون بنه... مطمئن باشیم با وضعیت «نظم ناپذیری» و «بی مسئولیتی همگانی» همه‌مون، پدرش درمی‌آد تا به انجام برسونه.
اگه کمک‌دهنده بودی، در سهرات رو به رخ طرف کش و منت ندازا... اما اگه کمک گیرنده بودی، حتمی از سختی‌هایی که کشیده بپرس و تشکر کن ارش!

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشرپرنده

بعد از ۴۰ سالگی فقط به عدد ترازو اعتماد نکنید؛ سه شاخص مهم را بررسی کنید

پس از ۴۰ سالگی، حتی اگر در سلامت کامل هستید، باید برخی شاخص‌ها را زیر نظر داشته باشید.
آنژولینا خوداشتیسکایا، متخصص غدد درروسیه، توصیه می‌کند که برای پیشگیری از خطرات چاقی و بیماری‌های قلبی، پس از ۴۰ سالگی برخی شاخص‌های سلامتی را پایش کنید.
این پزشک در گفت‌وگو با روزنامه روسی «ایزوستیا» اظهار کرد: «پس از ۴۰ سالگی، ممکن است اختلالات متابولیک (سوخت‌وساز) در بدن رخ دهد و در برخی افراد، نشانه‌های این اختلالات ممکن است برای مدتی طولانی پنهان بماند. داشتن وزن نرمال لزوماً به معنای نبود چربی احشایی (چربی‌های اطراف اندام‌های داخلی) یا سطح سالم کلسترول خون نیست؛ بنابراین، بررسی شاخص‌های خاصی که می‌توانند نشان‌دهنده مشکلاتی در نحوه سوخت‌وساز چربی‌ها و قند‌ها در بدن باشند، ضروری است.»
او افزود: «پس از ۴۰ سالگی، پایش سطح قند خون، فشارخون و اندازه دور کمر بسیار مهم است. اندازه دور کمری می‌تواند نشان‌دهنده تجمع چربی احشایی باشد که با کاهش حساسیت به انسولین مرتبط است.»
وی خاطرنشان کرد که حفظ سلامت جسمانی و داشتن متابولیسمی قوی، نیازمند رویکردی جامع است. این رویکرد شامل انجام ورزش منظم، داشتن فعالیت بدنی در طول روز، حفظ قدرت عضلانی، پرهیز از غذاهای فرآوری‌شده و خوراکی‌های حاوی قندهای افزوده‌شده و همچنین محدود کردن مصرف نمک و چربی‌های اشباع است. علاوه بر این، داشتن خواب کافی روزانه برای سلامت قلب، عروق و سیستم عصبی حیاتی است؛ خواب همچنین به بدن اجازه می‌دهد تا از استرس ریکاوری شود و به تنظیم هورمون‌هایی که بر فرآیندهای متابولیک تأثیر می‌گذارند، کمک می‌کند.
از سوی دیگر، الکساندر فارمانوف، متخصص غدد روس، اشاره کرد که دیابت نوع ۲ ممکن است در افراد جوان‌تر بدون بروز علائم خاصی ایجاد شود. بنابراین، برخی نشانه‌ها، مانند عفونت‌های مکرر پوستی یا مخاطی، کند بودن روند بهبود زخم‌ها، احساس خواب‌آلودگی پس از صرف غذا وستگی مزمن، باید به عنوان هشدارهایی تلقی شوند که فرد را ملزم به مراجعه به پزشک برای انجام معاینات پزشکی می‌کنند.

چین، جزیره تحقیقاتی شناور می‌سازد



چین قراردادی ۴۱۳ میلیون دلاری برای ساخت یک پلتفرم تحقیقاتی شناور خود را با هدف پشتیبانی از تحقیقات بلندمدت در عمق دریا در شرایط چالش برانگیز اقیانوسی، امضا کرده است.
به نقل از اینترستینگ انجینیرینگ، این کشتی که به عنوان نخستین جزیره مصنوعی شناور مخصوص این نوع از تحقیقات توصیف شده، آزمایشگاه‌های سوار بر خود را با زیرساخت‌های متحرک ساخته شده برای باقی ماندن در دریا برای مدت‌های طولانی ترکیب کرده است.
دانشگاه شانگهای جیاؤ تانگ این پلتفرم را راهبری می‌کند و از سوی دیگر شرکت کشتی‌سازی شانگهای وایگانوکیائو، زیرمجموعه شرکت دولتی کشتی‌سازی چین، طراحی و ساخت آن را برعهده می‌گیرد. قرار است ساخت کشتی در سال ۲۰۲۸ میلادی آغاز شود و زمان تحویل آن نیز ژوئن ۲۰۳۰ اعلام شده است.
پلتفرم پیشنهادهی برخلاف کشتی‌های تحقیقاتی معمول از یک پیکربندی شناور با دو بدنه موازی با سازه اصلی نیمه غوطه‌ور استفاده می‌کند. این کشتی برای حرکت بین مناطق تحقیقاتی طراحی شده و از سوی دیگر فضای اسکان و آزمایشگاهی برای محققانی که روی اکوسیستم‌های دریایی، مهندسی اقیانوسی و شرایط شدید آب و هوایی تحقیق می‌کنند، فراهم می‌کند.
کشتی مذکور حدود ۴۵۳ فوت طول، ۲۷۹ فوت عرض و عرض‌ای با ارتفاع ۱۴۸ فوت خواهد داشت. پیش‌بینی می‌شود وزن آن ۷۴ هزار تن باشد و با حداکثر سرعت ۱۱ گره حرکت کند.

جیوه به طلا تبدیل شد!

«ماراتون فیوژن» استارت آپ کوچک همجوشی هسته‌ای در سان‌فرانسیسکو، روز چهارشنبه اعلام کرد که ماه‌گشته موفق شده است جیوه را به طلای پایدار تبدیل کند؛ دستاوردی که رکورد ثبت شده توسط سرن (CERN) را ۱۰ برابر ارتقا می‌دهد.
کایل شیلر و آدام روتکواسکی در سال ۲۰۲۳ میلادی یک استارت آپ را راه‌اندازی کردند که سیستم‌های سوختی برای واحدهای برق همجوشی هسته‌ای آینده توسعه می‌دهد. هدف این واحدها تولید برق از همجوشی اتم‌ها با یکدیگر است که مشابه این رویداد در خورشید رخ می‌دهد.
سرن در سال ۲۰۲۵ اعلام کرد برخورد دهنده بزرگ هادرونی (LHC)، قدرتمندترین شتاب دهنده ذرات جهان، در جریان فعالیت خود از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸، حدود ۲۰۰ پیکोगرم طلا تولید کرده که معادل ۲۹ تریلیونیم گرم است.
این میزان طلا شامل حدود ۸۶ میلیارد هسته اتم طلا بود. این هسته‌ها تنها برای کسری بسیار ناچیز از ثانیه وجود داشتند و پیش از آنکه در برخورد با تجهیزات شتاب‌دهنده از بین بروند، دوام نیاوردند.
روش شرکت ماراثون فیوژن بر پایه تاباندن نوترون‌های حاصل از واکنش‌های همجوشی هسته‌ای به جیوه است. این فرآیند جیوه را به یک ایزوتوپ ناپایدار تبدیل می‌کند، که با واپاشی هسته‌ای به طلا تبدیل می‌شود.
این شرکت همچنین مدعی است با استفاده از دستگاهی به نام «سانتریفیوژ پلاسما» رکوردی ۴۰ ساله از دوران اتحاد جماهیر شوروی را شکسته است. این دستگاه با چرخاندن گاز باردار (الکترونیکی) با سرعت بالا، ایزوتوپ‌های مورد استفاده در سوخت همجوشی هسته‌ای را از یکدیگر جدا می‌کند.
با این حال، ادعای این شرکت درباره تولید طلا هنوز به‌طور مستقل تأیید نشده است و اطلاعات منتشرشده نیز مشخص نمی‌کند که چه مقدار طلا تولید شده یا هزینه این فرآیند چقدر بوده است.